

## پلنوم اول چهاردهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران برگزار شد!

پلنوم اول کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران منتخب کنگره چهاردهم در روز شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۳ برابر با ۱۰ اوت ۲۰۲۴ برگزار شد. نشست وسیع اعضای کمیته مرکزی با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. در این پلنوم اعضای کمیته مرکزی کومه‌له و کمیته تشکیلات خارج از کشور حزب نیز به عنوان ناظر شرکت داشتند. رسیدگی و تعیین تکلیف قراردایی که به کنگره چهاردهم حزب پیشنهاد شده بود و آرایش و تقسیم کار درون کمیته مرکزی دستور کار اصلی این نشست بودند.

نشست کمیته مرکزی حزب بعد از بررسی و اتخاذ تصمیمات لازم برای پیگیری قراردایی که مورد تصویب قرار گرفتند در مبحث مربوط به تقسیم کار ارگانهای مختلف فعالیت حزب، کمیته تشکیلات شهرها، شورای تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه‌له، کمیته اداره سایت ها و شبکه های اجتماعی حزب، هیئت نمایندگی حزب در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، نشریه جهان امروز، کمیته روابط بین المللی، کمیسیون مالی و کمیسیون آموزش را تجدید سازمان کرد.

پلنوم اول کمیته مرکزی منتخب کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران در بخش پایانی کار خود، به منظور هدایت فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی حزب در فاصله دو پلنوم، از میان اعضای کمیته مرکزی حزب که در لیست کاندیداها قرار گرفته بودند، رفقا: روناک آشناگر، هلمت احمدیان، روزین امینی، رثوف پرستار، نصرت تیمورزاده، شمس خرمی، ناصر زمانی، حسن شمس، آرام فرج اللهی، صلاح مازوجی، جلال محمد نژاد و اردشیر نصراله بیگی را به عنوان اعضای کمیته اجرایی حزب انتخاب کرد.

کمیته اجرایی حزب کمونیست ایران

مرداد ۱۴۰۳

اوت ۲۰۲۴



## سند سیاسی کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران



## پیام کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران به زندانیان سیاسی!



## پیام کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران به خانواده

## جانبختگان

## اطلاعیه کمیته مرکزی کومه‌له در محکومیت موج جدید اعدام



## اتحاد و اعتراض سراسری رمز پیروزی ما پرستاران است!



## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

## در گرامیداشت دومین سالگرد جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی»



## کشتار ۶۷ برگی از تاریخ پر از جنایت حکومت اسلامی، جنبش

## دادخواهی علیه جنایات جمهوری اسلامی را گسترش دهیم!

## سند سیاسی کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران

### پیروزی جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در گرو پیشروی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است!

تیر ۱۴۰۳ - جولای ۲۰۲۴

گامی در جهت مهار این بحران اقتصادی بردارد. جمهوری اسلامی به دلیل ابعاد این بحران اقتصادی و ماهیت طبقاتی سیاست ها و اولویت هایی که دارد، قادر به پاسخگویی به مطالبات عاجل طبقه کارگر و فرودستان جامعه نیست و در این دوره انقلابی بشدت می ترسد از اینکه کوچک ترین عقب نشینی از سیاست های تاکتونی، به روحیه تعرضی در جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی و اعتراضی دامن بزند و به از هم گسیختگی کامل نظم سیاسی حاکم بیانجامد.

جمهوری اسلامی اگرچه با سازماندهی و تجهیز نیروهای "محور مقاومت" در منطقه و وارد شدن به یک مسابقه تسلیحاتی و سرمایه گذاری های عظیم در پروژه های هسته ای به قیمت به فقر و فلاکت کشاندن اکثریت مردم ایران به تهدیدی برای رقبای منطقه ای خود تبدیل شده است، اما تحولات اخیر در خاورمیانه نشان داد که استراتژی تعرض بازدارنده رژیم به بن بست رسیده است. خیزش های توده ای پی در پی و روند رو به رشد جنبش های اعتراضی در داخل ایران بیانگر این واقعیت است که جمهوری اسلامی با تبدیل شدن به یک تهدید منطقه ای نمی تواند بقای خود را تضمین کند. در حالی که سیاست راهبردی جمهوری اسلامی در کانون های بحرانی منطقه با هدف تضمین بقای نظام اسلامی به دلیل ضعف بنیه اقتصادی، بحران های درونی، عدم توان بازدارندگی و روند تجدید آرایش سیاسی منطقه به بن بست رسیده و اهرم موازنه سازی در تعیین سیاست خارجی را از دست آن خارج کرده است، این رژیم در سطح داخلی خود را در نبردی سنگر به سنگر با کارگران و زنان و فرودستان و اکثریت مردم ایران می بیند. این در حالی است که در جریان نمایش های انتخاباتی در مدت کمتر از چهار ماه، سه بار مهر عدم مشروعیت بر پیشانی جمهوری اسلامی کوبیده شده است. این شکست ها نیز به عنوان بخشی از پیامدهای جنبش انقلابی ژینا به نوبه خود نزاع میان باندهای حکومتی را تشدید کرده است بطوریکه در دور دوم نمایش انتخابات ریاست جمهوری به رغم مداخله مستقیم فرماندهان سپاه، اصول گرایان نتوانستند حول معرفی یک نامزد واحد به اجماع برسند. اصلاح طلبان حکومتی نتوانستند مردم را با صندوق رأی و مکانیسم "انتخابات" در نظام اسلامی آشتی دهند. در این شرایط تعیین پزشکین اصلاح طلب ذوب شده در ولایت به عنوان رئیس جمهور که محصول آن تشکیل یک کابینه

پیشرویش از هر جنبش سیاسی دیگری زیبایی خود را با هنر انقلابی به تصویر کشید. جنبش انقلابی ژینا اگرچه اساسا به دلیل عدم حضور نیروی اجتماعی طبقه کارگر در صحنه سیاسی جامعه، و ناتوانی در بسیج و به میدان آوردن همه نیروهای معترض به وضع موجود قادر نشد به اهداف سیاسی خود برسد، اما در اشکال مختلف ادامه دارد. این جنبش به رغم افت و خیزهایش چنان مهر خود را بر ذهنیت فرودستان جامعه، مناسبات توده ها با ساختار طبقاتی حاکم و سیمای سیاسی جامعه کوبیده است که رژیم اسلامی با تشدید سرکوب و به راه انداختن امواج پی در پی اعدام زندانیان نتوانسته است جامعه را به دوران قبل از آغاز این جنبش انقلابی بازگرداند.

اکنون در حالی که تداوم اعتصابات و اعتراضات هر روزه کارگران، ادامه مبارزات پیگیرانه بازنشستگان، پرستاران، مقاومت جانانه و پرشور زنان در خیابان و در دانشگاه برای عقب راندن سیاست تحمیل حجاب اسلامی، تداوم مبارزه دانشجویان برای جلوگیری از پادگانی کردن محیط دانشگاهها، جنبش دادخواهی مادران جانبختگان، استقامت و مبارزات شجاعانه زندانیان سیاسی در دفاع از آزادی های سیاسی و علیه مجازات اعدام و ... عرصه های مختلف کشاکش کارگران و توده های ستمدیده مردم ایران با حکومت اسلامی در یک دوره پر تب و تاب انقلابی را به تصویر می کشد، ابعاد بی سابقه گرانی و فقر و فلاکت اقتصادی و بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی گسترش مبارزات کارگری و توده ای را اجتناب ناپذیر کرده و اعتلای سیاسی این مبارزات را در چشم انداز قرار داده است.

### موقعیت رژیم جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی اگرچه با افزایش تولید و صادرات نفت و بند و بست های پشت پرده با دولت های غربی برای انتقال دلارهای نفتی و دستبرد به صندوق های بازنشستگی، دولت را از ورشکستگی مالی نجات داده و بودجه نیروهای سرکوبگر و سرپا نگاه داشتن دستگاه عریض و طویل اداری دولت را تأمین کرده است، اما هیچ دورنمایی برای کنترل ابعاد ویرانگر بحران اقتصادی ندارد. این رژیم به دلیل ساختار سیاسی ایدئولوژیک، قانونی و اداری و فساد نهادینه شده حتی در چهارچوب سیاست های سرمایه دارانه و الگوهای رایج آن هم نمی تواند



### جنبش انقلابی ۱۴۰۱

جنبش انقلابی ژینا یکی از گسترده ترین و طولانی مدت ترین خیزش های انقلابی در بیش از چهار دهه گذشته در ایران بوده است. اگر خیزش های توده ای پیشین به بیش از دو دهه سلطه گفتمان اصلاح طلبان حکومتی بر فضای سیاسی ایران پایان دادند و استراتژی گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی را به شکست کشانده و ذهنیت گذار انقلابی را تقویت کردند، جنبش انقلابی ژینا با شکوهی چند برابر عظیم تر از خیزش های قبلی پا به میدان گذاشت، جامعه را وارد دوره انقلابی کرد و لیبرالیسم بورژوازی ایران را که تحت عنوان مرزبندی با خشونت همواره در تلاش بوده تا مفهوم انقلاب را تخطئه کند، عقب راند و بار دیگر سوژه انقلاب را بر سر زبان ها انداخت. این جنبش توازن نیرو را به سود جنبش کارگری و دیگر جنبشهای پیشرو اجتماعی تغییر داد و فصل نویی در مبارزه برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی را ورق زد. این جنبش با پیشتازی زنان و با شعارها و اقدامات نمادینی مانند سوزاندن حجاب و روسری، پایه های ایدئولوژیک حکومت اسلامی را در هم کوبید و فراتر از این کامیابی ها در عرصه تاکتیکی و زیبایی شناختی هم تکامل یافته تر از خیزش های قبلی ظاهر شد. تاکتیک تلفیق اعتراض های خیابانی با اعتصاب عمومی در شهرها، برپایی اعتراض های خیابانی محله محور و ایجاد راهبندان برای محدود کردن قدرت مانور نیروهای سرکوبگر، تعرض متقابل به پایگاهها و مراکز نظامی رژیم، تسخیر و آزادسازی چند منطقه از شهر برای چند ساعت، تبدیل کردن دانشگاهها و مدارس به کانون های اعتراض و اعتصاب، از جمله تاکتیک هایی بودند که در این دوره به کار گرفته شدند. این خیزش با همراهی نویسندگان و شاعران و هنرمندان انقلابی و سینماگران

فلج و نزاع های مضمئنکننده بین دولت و مجلس بر سر چگونگی رویارویی با بحران های موجود خواهد بود، باز هم کشمکش جناح های حکومتی را تشدید خواهد کرد و موقعیت حکومت اسلامی را در برابر فشار اعتراضات کارگری و توده ای شکننده تر خواهد نمود.

به رغم تغییر تاکتیک در آرایش سیاسی باندهای حکومتی، در شرایط کنونی تشدید سرکوب، هم به تاکتیک و هم به استراتژی بقای جمهوری اسلامی تبدیل شده است. ماشین سرکوب رژیم اگرچه در مواجهه و رودررویی با خیزش های سیاسی و امواج پی در پی اعتراضات کارگری و توده ای فرسایش پیدا کرده است، با همه اینها رژیم اسلامی هنوز ظرفیت های سرکوب را حفظ کرده و با تکیه بر تشدید سرکوب و بگیر و ببند و اعدام برای بقای خود تلاش می کند. با اینحال تکیه یکجانبه بر گزینه سرکوب و اعدام، موقعیت رژیم را شکننده کرده است. هیچکدام از رژیم های دیکتاتوری تنها با تکیه بر حربه سرکوب نمی توانند بقای خود را تضمین کنند. آن روز که ماشین سرکوب رژیم زمینگیر شود و حربه سرکوب کارائی خود را به کلی از دست بدهد، روند فروپاشی رژیم آغاز می شود.

### موقعیت طبقه سرمایه دار

تشدید بحران سرمایه داری ایران که خود را در عدم توانایی در بازتولید گسترده و رکود تولید صنعتی، حجم عظیم نقدینگی بحرانزا، انتقال سرمایه ها به روند سرمایه مالی و سوداگری و رکود سرمایه گذاری در حوزه تولیدات کشاورزی و مواد غذایی به دلیل سیاستهای ویرانگر زیست محیطی و ... بروز داده است، بخش هایی از طبقه سرمایه دار ایران که در بخش خصوصی و در رشته های تولیدی و صنعتی سرمایه گذاری کرده اند را نیز در موقعیت بی ثبات و بحرانی قرار داده است. جدای از شبکه مهره های وابسته به رژیم که در اقتصاد زیرزمینی بخش بزرگی از صادرات نفتی و غیر نفتی را بر عهده دارند و از "برکت" تحریم های اقتصادی میلیون ها دلار به ثروت های کلان خود افزوده و هیچ کنترلی بر آنها وجود ندارد و جدای از سپاه پاسداران و نهادهای وابسته به بیت رهبری که تحت عنوان خصوصی سازی ها بر بخش بزرگی از سرمایه و ثروت های جامعه چنگ انداخته اند و به هیچ نهادی پاسخگو نیستند، سرمایه داران بخش خصوصی هم که طی سالیان طولانی از امتیازات و رانت حکومتی بهره مند بوده اند پیوندهای تنگاتنگی با ساختار سیاسی حاکم دارند. سرمایه داران خصوصی اگرچه طرفدار عادی سازی مناسبات با غرب و رفع موانع اداری و قانونی جهت ادغام هر چه بیشتر سرمایه داری ایران در بازارهای جهانی هستند و بلند پروازی های هسته ای رژیم و تشنج آفرینی های رژیم در سطح منطقه را

در راستای منافع خود نمی دانند و با آن بخش از سرمایه داران و باندهای حکومتی که منافع خود را در ادامه تحریم ها می دانند اختلاف دارند، اما از یک سو به دلیل پیوندهایی که با ساختار سیاسی حاکم دارند و از سوی دیگر به دلیل ترس از جنبش طبقه کارگر در پیگیری منافع و جهت گیری های خود محافظه کار هستند. مواضع به شدت مماشات جویانه و محافظه کارانه اعتدال گرایان و اصلاح طلبان مفلوک حکومتی ریشه در همین موقعیت طبقاتی دارد.

### موقعیت خرده بورژوازی

بحران حاد اقتصادی و اجتماعی و تغییراتی که در موقعیت اقتصادی اقشار فوقانی و مرفه خرده بورژوازی روی داده، بخش نسبتاً وسیعی از این اقشار را به موقعیت لایه های پایین جامعه رانده است. این تحولات باعث شده که این طیف گسترده اطمینان خود را به طبقه و ساختار سیاسی حاکم از دست بدهند، اما این تغییر در ذهنیت خرده بورژوازی هنوز باعث نشده که از حفظ نظم موجود به تمامی دل بکنند و به تغییر رادیکال امیدوار شوند و نه تنها امیدوار شوند، بلکه در ابعاد توده ای برای ایجاد این تغییر به میدان بیایند. از این رو این اقشار گسترده در جریان جنبش انقلابی ژینا اگر چه قلبشان با قلب زنان و مردان آزادیخواه و معترض در خیابان می تپید، و در مواردی با پیوستن به اعتصابات عمومی همبستگی خود را با اعتراضات خیابانی نشان می دادند، اما هنوز آمادگی ذهنی این را پیدا نکرده اند که در ابعاد توده ای به اعتراضات خیابانی بپیوندند و برای به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی آستین ها را بالا بزنند. تردیدی نیست که توانایی رژیم در سرکوب خونین اعتراضات و بگیر و ببندهای گسترده، موج پی در پی اعدام ها از موانع اصلی سر راه دل کندن خرده بورژوازی از وضع موجود و توده ای شدن این جنبش انقلابی بوده است. اما در همانحال نگرانی از تکرار تجربه شکست انقلاب ۵۷، نگرانی از تکرار تجربه خیزش های توده ای در خاورمیانه، نگرانی از خطر جنگ داخلی و "سوریه ای" شدن ایران که اصلاح طلبان حکومتی و بخشی از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی آن را دامن می زنند و هم چنین نبود یک آلترناتیو رهایی بخش نیرومند در صحنه سیاسی جامعه که توده های مردم بتوانند به آن امید ببندند، از دیگر موانع ذهنی سر راه به میدان آمدن این اقشار در ابعاد توده ای است.

### جنبش طبقه کارگر

جنبش طبقه کارگر ایران با میانگین سالانه بیش از ۲۰۰۰ اعتصاب و اعتراض یکی از پر جنب و جوش ترین و پر اعتصاب و اعتراض ترین جنبش های کارگری جهان است. این روند رو به رشد مبارزات

کارگری که به رغم فراز و نشیب های آن از اواسط دهه ۸۰ شمسی آغاز شده و ادامه یافته است، ریشه در تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران دارد. امواج گسترده روی آوری زحمتکشان و تهیدستان روستا به شهرها طی سه دهه گذشته، جمعیت کارگران ایران را بیش از دو برابر افزایش داده و از طرف دیگر روند رشد و گسترش سرمایه داری ایران و تداوم روند صنعتی شدن به رغم همه موانعی که ساختار سیاسی و ایدئولوژیک و اداری حاکم بر سر راه آن ایجاد کرده، شمار کارگران شاغل در واحدها و مراکز صنعتی را چند برابر کرده است. این تحول اجتماعی از یک سو و سیاست های ضد کارگری و



تعرض سازمانیافته رژیم جمهوری اسلامی به عنوان یک کارفرمای بزرگ و سرمایه داران بخش خصوصی طی بیش از سه دهه گذشته برای ارزان سازی نیروی کار از سوی دیگر، زمینه ساز این جنبش عظیم اعتصابی و اعتراضی کارگران در بیش از یک دهه و نیم اخیر بوده است. در واقع بازتاب این تحولات هم اکنون خود را در تحرک قدرتمند جنبش کارگری نشان می دهد. این مبارزات اقتصادی کارگران در موارد زیادی با برافراشتن پرچم مبارزه علیه خصوصی سازی ها، علیه قانون دستمزدها، علیه مضحکه های انتخاباتی رژیم، علیه لایحه بودجه و ... با مبارزات سیاسی در هم آمیخته اند. این جنبش عظیم اعتصابی قدرت اتحاد را به کارگران نشان داده است، به آن ها یاد داده است که به مقابله با تعرض دولت و سرمایه داران بپردازند، نشان داده است که چگونه نیروی کار سازمان یافته می تواند برای سرمایه ترسناک باشد. اما علیرغم این بیداری طبقاتی نسبی، طبقه کارگر ایران هنوز در ابعاد توده ای به آگاهی ضرورت قیام علیه ساختار سیاسی و طبقاتی حاکم برای پایان دادن به این همه فقر و فلاکت اقتصادی و بی حقوقی های اجتماعی و سیاسی دست نیافته و در نتیجه نتوانسته در این دوره انقلابی به مانند یک جنبش نیرومند سیاسی وارد عمل شود و مهر خود را به روند رویدادها در جامعه بکوبد. جنبش طبقه کارگر در این دوره نتوانست مبارزات اقتصادی خود را با خواسته های سیاسی متناسب با این دوره انقلابی تلفیق کند. فعالین سوسیالیست جنبش کارگری ایران فاقد یک استراتژی روشن در این زمینه

بوده اند که بتوانند با تکیه به آن ذهنیت و

گزینه دوم یعنی راهبرد سوسیالیستی و اتحاد با جنبش کارگری ندارد. جنبش زنان تنها با در پیش گرفتن راهبرد سیاسی سوسیالیستی است که می تواند هر درجه از عقب راندن رژیم اسلامی و ایجاد گشایش در فضای سیاسی جامعه را در خدمت پیشروی خود برای تحقق خواسته‌های پایه‌ای اش قرار دهد.

اما جنبش‌های زن برای تثبیت دستاوردهایش لازم است پایگاه اجتماعی خود را در میان توده میلیونی زنان کارگر و زحمتکش عمق و گسترش داده و سازمانیافته‌تر به میدان نبرد بیاید. حضور برجسته زنان در جنبش اعتراضی بازنشستگان و معلمان و پرستاران به عنوان بخشی از جنبش کارگری و در جنبش دانشجویی و جنبش دادخواهی و نقش آنان در سازمان سراسری و رهبری این جنبش‌ها، ظرفیت‌های جنبش زنان در امر سازمانیابی و رهبری را هم نشان داده است. جنبش‌های زن می تواند در محلات فقیرنشین حاشیه شهرها نیز با سازماندهی زنان کارکن و زحمتکش این محلات در انجمن‌ها و شوراهای زنان، بخشی دیگر از نیروی عظیم خود را به میدان آورد. جنبش‌های زنان لازم است این بخش از نیروی کار را با نیروی سازمانیافته‌تر طبقه کارگر در کارخانه‌ها و مراکز صنعتی، با اعتراضات بازنشستگان و معلمان و پرستاران و دیگر جنبش‌های اعتراضی پیشرو در جامعه همراه کند. برای تضمین پیشروی جنبش‌های زن، به میدان آوردن توده میلیونی زنان کارگر و زحمتکش علیه نظام سیاسی و طبقاتی حاکم ضروری است، چون ستمکشی زنان در ایران و ابعاد گسترده تبعیض‌هایی که علیه آنان اعمال می شود ریشه در حاکمیت اسلام سیاسی و مردسالاری در آمیخته با مناسبات سرمایه‌داری دارد.

## جنبش دانشجویی

جنبش دانشجویی که با آغاز جنبش انقلابی ۱۴۰۱ در ابعاد کم سابقه وارد عمل شد و با شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "ما همه مهسا هستیم، بجنگ تا بجنگیم" محیط دانشگاه را به میدان اعتصاب و برپائی تجمع‌های اعتراضی علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کرد، در تمام این دوره یکی از کانون‌های داغ مقاومت در مقابل تعرض برنامه‌ریزی شده رژیم اسلامی به دانشگاه‌ها بوده است. احضار، بازداشت و اخراج و پرونده‌سازی برای دانشجویان و اساتید مبارز، اعزام آخوند و بسیجی و روضه خوانها به دانشگاه، شدت عمل نیروهای مزدور حراست علیه دانشجویانی که حاضر نیستند حجاب اجباری را رعایت کنند، نه تنها جنبش دانشجویی را مرعوب نکرده است، بلکه دانشگاه را به یکی از دژهای دفاع از دستاوردهای جنبش انقلابی جاری تبدیل کرده است. جنبش دانشجویی بار دیگر نشان داد که در نبرد تهیدستان شهری با حکومت اسلامی سرمایه داران، در تخصم بین

به رغم تمام موانعی که ساختار سیاسی و ایدئولوژیک حاکم سرراه ورود آنان به بازار کار و تحصیلات عالی ایجاد کرد، آن دو تحولی بودند که موقعیت زنان در جامعه ایران را تغییر داده است. زنان ایران بر متن این تحولات کلیه عرصه‌های حیات اجتماعی را به میدان مقاومت و مبارزه علیه نظام تبعیض جنسیتی حکومت سرمایه‌داری اسلامی و قوانین و فرهنگ پوسیده مردسالاری تبدیل کرده‌اند. جنبش انقلابی



۱۴۰۱ به رغم ناکامی در جارو کردن بساط جمهوری اسلامی و پایان دادن به تبعیض‌ها، چنان مهر خود را بر جامعه ایران کوبیده است که تهاجم و حملات شیمیایی برنامه ریزی شده رژیم هراسیده جمهوری اسلامی به مدارس دخترانه، تعرض سازمانیافته به دانشگاه‌ها و دختران دانشجو، اعلام جنگ با زنان بی حجاب در خیابان‌ها و مکان‌های عمومی، موج پی در پی اعدام‌ها و کشتار زندانیان، نتوانسته است جنبش زنان را به قبل از خیزش ژینا بازگرداند.

اکنون که جامعه همچنان در یک دوره انقلابی بسر می برد و پرونده قدرت سیاسی به روی جامعه باز شده است، جنبش زنان نیز که مانند دیگر جنبش‌های اجتماعی محل تلاقی گرایش‌های مختلف سیاسی و طبقاتی است، به ناگزیر در معرض انتخاب بین دو افق متضاد، بین دو گزینه سیاسی متعلق به دو طبقه اصلی جامعه ایران، بورژوازی یا طبقه کارگر، سرمایه‌داری یا سوسیالیسم قرار گرفته است. افق و راه حل سرمایه دارانه معنایی جز به بیراهه بردن این جنبش‌های اجتماعی و براندازی نرم و مخملی جمهوری اسلامی با حفظ دستگاه سرکوب آن و بازسازی نظام سرمایه‌داری و تداوم بی حقوقی و نظام تبعیض و بردگی ناشی از آن نخواهد داشت. در مقابل، راه حل سوسیالیستی و رادیکال، یعنی دست بردن به ریشه درد و رنج و ستمکشی و تبعیض علیه زنان، یعنی ریشه طبقاتی ستمکشی زن را در آوردن و پایان دادن به همه تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که زنان را در چنگال خود می فشارد. جنبش زنان که یک جنبش ریشه دار اجتماعی است اگر نخواهد نیروی عظیم اجتماعی اش به نیروی ذخیره اپوزیسیون رنگارنگ بورژوازی ایران برای جابجایی قدرت سیاسی از بالای سر مردم تبدیل شود و خواسته‌های پایه‌ای اش قربانی بند و بست این جریان‌ات واقع گردد، راهی جز انتخاب

اراده طبقه کارگر ایران را جهت رویارویی با مسائل این دوره شکل بدهند. این کمبودها نیز ضرورت سیاسی و طبقاتی تحزب یابی کمونیستی فعالین و پیشروان جنبش کارگری را برجسته‌تر نشان می دهد.

طبقه کارگر به دلیل شرایط سخت سرکوب، فقر ساختاری و بیکاری میلیونی، گسترش شرکت‌های پیمانکاری و رواج قراردادهای موقت، اشتغال اکثریت کارگران ایران در کارگاههای کوچک صنعتی و... نتوانسته در تشکل‌های توده‌ای و طبقاتی مستقل از دولت و کارفرمایان سازمان یابد. طبقه کارگر بنا به همین دلایل هم قادر نشد در بعد اجتماعی در جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی نقش سیاسی خود را ایفا کند و به نیازهای این دوره انقلابی پاسخ درخور بدهد. اما نظر به تعمیق بحران سرمایه‌داری ایران و با توجه به ابعاد فقر و فلاکت اقتصادی موجود و ادامه تعرض حکومت اسلامی سرمایه‌داران و سرمایه‌داران بخش خصوصی به سفره خالی کارگران، اعتراضات و اعتصابات کارگری به طور اجتناب ناپذیری ادامه و گسترش خواهد یافت. طبقه کارگر بر بستر فضای انقلابی عمومی در جامعه و بر بستر تداوم اعتصابات و اعتراضات کارگری و با تکیه به وجود طیف گسترده فعالین و پیشروان خود که در کمیته‌های کارخانه و کمیته‌های اعتصاب نقش تعیین کننده‌ای در سازماندهی اعتصابات و اعتراضات کارگری داشته و با سازماندهی مجامع عمومی و دخالت دادن کارگران در تصمیم‌گیری‌ها رویکرد شورایی را در این جنبش طبقاتی تقویت کرده اند، می تواند بر کمبود سازمانهای توده‌ای و طبقاتی خود غلبه کند. سازمانیابی توده‌ای و طبقاتی کارگران در مراکز بزرگ صنعتی و خدماتی و حضور آنان در صحنه سیاسی جامعه بسرعت کارگران شاغل در کارگاههای کوچک را تحت تأثیر قرار خواهد داد و روند تشکل‌یابی در این بخش وسیع از کارگران را هم سرعت خواهد بخشید.

## جنبش زنان

نقش پیشتاز زنان در جنبش انقلابی ژینا بار دیگر نشان داد که جنبش زنان یک پای اصلی هر جنبش انقلابی و تحول اجتماعی در ایران است. اما این پیشتازی امری ابتدا به ساکن نبوده و ریشه در تحولات اقتصادی و اجتماعی بیش از سه دهه گذشته در ایران دارد. تحولات و جبر اقتصادی که موجب روی آوری بخش گسترده‌ای از زنان خانواده‌های کارگری و فرودستان جامعه به کار در بیرون خانه شده و چون در بازار کار رسمی به دلیل قوانین تبعیض جنسیتی جایی برای آنها وجود نداشت، در بازار کار غیر رسمی به کار اشتغال یافتند. همزمان ورود جمعیت عظیمی از زنان به عرصه تحصیلات عالی

استبداد و آزادی، در ستیز بین تبعیض جنسیتی و رهایی زن در کجا ایستاده است. بخش رادیکال و سوسیالیستی جنبش دانشجویی در سالهای اخیر همزمان با گسترش اعتصابات کارگری در هفت تپه، فولاد اهواز و صنایع نفت و پتروشیمی و ... با برپائی آکسیون های حمایتی بر استراتژی اتحاد با جنبش کارگری و فرودستان جامعه تأکید کردند. فریاد شعارهای "فرزند کارگرانیم، کنارشان میمانیم"، "نان-کار-آزادی، اداره شورایی"، "دانشجو، کارگر، معلم، اتحاد اتحاد"، "دانشجو آگاه است با کارگر همراه است"، در دانشگاهها؛ به روشنی جهت گیری طبقاتی گرایش سوسیالیستی جنبش دانشجویی در این دوره را بازتاب می دهد.

در شرایط کنونی، جنبش دانشجویی به عنوان یکی از ستون های جنبش انقلابی و آزادیخواهانه برای تضمین پیشروی خود ضروری است مطالبات دمکراتیک مطرح در جنبش انقلابی جاری را به پیگیرترین و رادیکال ترین شکل نمایندگی کند و مورد حمایت قرار دهد. بخش رادیکال و سوسیالیستی جنبش دانشجویی در مقابل جریان های رنگارنگ اپوزیسیون راست که می خواهند این جنبش را به انحراف بکشاند، فقط با طرح این مطالبات دمکراتیک از زاویه منافع طبقه کارگر و جنبش رهایی زن و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی است که می تواند این رسالت را به انجام برساند و با جنبش کارگری و دیگر جنبشهای رادیکال اجتماعی و اعتراضی پیوندهای عمیق تری برقرار کند. پیشبرد این جهت گیری ها و وظایفی که به آنها اشاره شد و به ثمر رساندن آنها بدون تحزب کمونیستی که بمثابة مفصل اتصال و مرکز هماهنگی تمام وجوه فعالیت های فوق در این دوره انقلابی عمل کند، کاری بس دشوار است.

### جنبش انقلابی کردستان

جنبش انقلابی کردستان که آغازگر خیزش انقلابی زن، زندگی، آزادی بود و معترضان در دانشگاه و خیابان از زاهدان تا تهران از آن به عنوان چشم و چراغ ایران یاد کردند، بار دیگر نشان داد که یک پای اصلی هر تحول سیاسی و انقلابی در ایران است. این تجربه تأکیدی بود بر این واقعیت که مردم در کردستان جمهوری اسلامی را بزرگترین مانع سر راه تحقق اهداف خود در زمینه رفع ستمگری ملی و دیگر خواسته های خود دانسته و نزدیک ترین راه سرنگونی این رژیم را همبستگی و اتحاد با جنبش های آزادیخواهانه و پیشرو اجتماعی در سراسر ایران می دانند. این دستاورد محصول مشترک کار و فعالیت آگاهانه کمونیست ها و مبارزه و تجربه خود کارگران و زحمتکشان و زنان ستمدیده در کردستان بوده است. کارگران و زحمتکشان و زنان ستمدیده کردستان با اتکا به آگاهی و تجربه خود از استراتژی

احزاب ناسیونالیست مبنی بر امید بستن به اصلاح طلبان حکومتی، امید بستن به مذاکره با رژیم و دلخوش کردن به دخالت قدرت های خارجی عبور کرده و اکنون سرنگونی رژیم اسلامی و تحقق اهداف و خواسته های بر حق خود را در گرو همبستگی با جنبش انقلابی سراسری در ایران می دانند. همانطور که بارها گفته ایم اکنون نیز لازم است همراه با فعالین و چهره های جنبش سوسیالیستی در کردستان با تکیه بر تجارب توده های مردم در کردستان عراق و کل تحولات بیش از ده سال گذشته در منطقه خاورمیانه به کارگران و زحمتکشان کردستان دوباره تأکید کنیم که سرنگونی جمهوری اسلامی پایان کار نیست. باید بیش از پیش و به طور خستگی ناپذیر از اهمیت حضور کارگران و مردم زحمتکش در صحنه سیاسی جامعه، از اهمیت حیاتی ایجاد شوراها و نهادهای توده ای در محیط های کار و در محلات شهرهای مختلف و روستاهای کردستان و اهمیت تسخیر قدرت سیاسی از پایین با کارگران و زحمتکشان کردستان سخن بگوییم. حضور کارگران و مردم زحمتکش و زنان ستمدیده کردستان در صحنه سیاسی جامعه و تلاش برای ایجاد نهادهای حاکمیت توده ای در کردستان نه تنها مؤثرترین راهکار در مبارزه برای زمینگیر کردن ماشین سرکوب و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است، بلکه از همین مسیر می توان استراتژی احزاب ناسیونالیست برای به بیراهه بردن مبارزات حق طلبانه مردم کردستان و تلاش آنان برای تصرف قدرت از بالای سر مردم را به شکست کشاند.

### جنبش دفاع از محیط زیست

در سالهای اخیر بحران های محیط زیست در ایران، خشکسالی های ممتد، خشک شدن دریاچه ها و تالاب ها و کم آبی، طوفان ریزگردها و آلودگی هوا، فرونشست و فرسایش زمین، جنگل سوزی ها، از میان رفتن گونه های گیاهی و جانوری و سیاست های ضد زیست محیطی رژیم جمهوری اسلامی که این بحران ها را تشدید کرده است زمینه ساز همیاری توده ای و جنبشهای اعتراضی در دفاع از محیط زیست را فراهم آورده است. در شرایطی که در جغرافیای ایران هم سیاست های ویرانگر حکومت اسلامی در زمینه محیط زیست و رویکرد نظام سرمایه داری و ساختار طبقاتی حاکم برای حداکثر سازی سود در کوتاهترین زمان ممکن جامعه را با خطر یک فاجعه زیست محیطی روبرو کرده است، و نیروهای اپوزیسیون بورژوازی به رغم ادعاهایشان هیچ پاسخی ریشه ای به بحران های محیط زیست ندارند، مقابله با این بحران ها که کار و زندگی بخش بزرگی از جمعیت ایران را تهدید می کند هنوز آن جایگاه واقعی را در استراتژی سیاسی سوسیالیست ها پیدا نکرده است. این در حالی است که فقط مبارزه

سوسیالیستی می تواند پایان دادن به نقش ویرانگر سرمایه داری در نابودی طبیعت و محیط زیست را در چشم انداز قرار دهد.

### نیروهای اپوزیسیون بورژوازی

جنبش انقلابی ژینا ماهیت سیاسی و طبقاتی نیروهای اپوزیسیون بورژوازی را شفاف تر بر ملا کرد. راست افراطی سلطنت طلب از همان آغاز با هدف مسخ این جنبش انقلابی با تبلیغ شعار مردسالارانه و ناسیونالیستی "مرد، میهن، آبادی" در برابر شعار "زن، زندگی، آزادی" به میدان آمد و در ادامه با سازماندهی باندهای لپین و فالانژیست سلطنت طلب تلاش کرد که پرچم "شیر و خورشید" این نماد ارتجاع سلطنت پهلوی را به راهپیمایی های خارج از کشور تحمیل نماید. این جریان سپس با هم پیمانی رهبری سازمان زحمتکشان کردستان ایران، تحت نام مهسا، منشور و نقشه راه خود برای به شکست کشاندن جنبش انقلابی ژینا را اعلام کردند. در حالی که موتور پیش برنده جنبش انقلابی ژینا در خیابان ها، دانشگاه و مدرسه و حاشیه شهرها به حرکت درآمده بود، این ائتلاف ضد انقلابی بر جلب حمایت قدرتهای امپریالیستی تمرکز کرد. راست افراطی در همانحال که عملاً به اهرم فشار دولت های سرمایه داری برای اعمال فشارهای کنترل شده بر رژیم جمهوری اسلامی جهت بند و بست های پشت پرده تبدیل شد، با مانورهای سیاسی خود در همانحال به منبع تغذیه و به چماق دست رژیم اسلامی علیه خیزش انقلابی مردم تبدیل شد. این جریان اساساً به پشتوانه خودآگاهی جنبش انقلابی جاری که در شعار "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر" و انتشار منشور مطالباتی بیست تشکیل کارگری نمود پیدا کرد و در نتیجه روشنگری نیروهای جنبش چپ و کمونیستی و انقلابی رسوا و به حاشیه تحولات حال و آینده ایران رانده شد.

بخش اصلی اپوزیسیون بورژوازی ایران را طیف گسترده و رنگارنگ جمهوری خواهان لائیک و سکولار در واقع سوسیال دمکراتها و نتولیرال های طرفدار غرب تشکیل می دهند. تأکید بر گذار مسالمت آمیز و خشونت پرهیز از جانب این بخش از اپوزیسیون اسم رمز ضدیت آنها با انقلاب است. اینها از انقلاب بیشتر از رژیم جمهوری اسلامی می ترسند. زمانی هم که از براندازی سخن می گویند، منظورشان براندازی "نرم و مخملی" و دست به دست کردن قدرت از بالای سر مردم است. دو پایه اصلی سیاست راهبردی همه نیروهای اپوزیسیون بورژوازی حفظ ارتش و سپاه پاسداران و ساختار بوروکراسی دولتی و تلاش برای نجات مناسبات سرمایه داری است. بخش هایی از بورژوازی ایران، طیف وسیعی از اصلاح طلبان حکومتی و لایه های



فوقانی خرده بورژوازی پایه اجتماعی این نیروها را تشکیل می دهند. این بخش از اپوزیسیون بورژوایی با تکیه بر گرایش راست در درون جنبش های اجتماعی استراتژی خود را پیش می برد، در کردستان احزاب ناسیونالیست پایه نفوذ آنها هستند. این بخش از اپوزیسیون به اعتبار همین پایه اجتماعی که دارند، حریف اصلی جنبش چپ و سوسیالیستی در مبارزه برای تعیین سرنوشت قدرت سیاسی در تحولات آتی هستند. پاشنه آشیل این بخش اپوزیسیون بورژوایی ایران همان برنامه های اقتصادی آنان است. اینها در حالی می خواهند با پیروی از الگوی اقتصادی نئولیبرالیسم مناسبات سرمایه دارانه ایران را حفظ و رشد و توسعه اقتصادی را وعده می دهند، که حکومت اسلامی بیش از چهار دهه است با تکیه بر همین مناسبات طبقاتی و همان الگوی مورد نظر آنها و ارزان سازی نیروی کار کارگران، نان و کار و آزادی و زندگی انسانها را به گرو گرفته است. برنامه این بخش از اپوزیسیون برای رشد و توسعه اقتصادی ایران تشدید استثمار و تداوم ارزان سازی نیروی کار و بی حقوقی کارگران و دسترسی به بازارهای جهانی با تکیه بر حمایت قدرت های غربی برای فروش کالاها ارزان است. آنها می خواهند یک حکومت سرمایه داری مستبد غیر دینی را جایگزین حکومت اسلامی کنند. وعده های دروغین این بخش از اپوزیسیون در مورد آزادی های سیاسی و رفاه اجتماعی و برابری زن و مرد، در تناقض و تضاد اساسی با برنامه های اقتصادی و نقشه های راهبردی آنان برای حفظ مناسبات سرمایه داری قرار دارد.

### جنبش چپ و کمونیستی

امروز وجود یک جریان نیرومند چپ اجتماعی بخشی از واقعیت انکارناپذیر جامعه ایران است. به تناسبی که جنبش انقلابی ژینا جامعه را به چپ چرخانده، ابراز وجود این چپ اجتماعی عیان تر شده است. فعالین و رهبران جنبش کارگری که پرچم مطالبات کارگران را برافراشته اند و در سازماندهی و رهبری اعتراضات و اعتصابات کارگری نقش دارند، مبتکر ایجاد کمیته های اعتصاب و برگزاری مجامع عمومی در مراکز صنعتی و کارگری هستند و ایده سازمانیابی شورایی را به میان کارگران می برند، آن بخش از تلاشگران جنبش زنان که در برابر فمینیسم ارتجاع اسلامی و فمینیسم نئولیبرال پرچم رهایی زنان با افق ضد سرمایه داری را برافراشته و با حضور خود در پیشاپیش مبارزه معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، پرستاران، در زندان ها، در نبرد خیابانی در برابر سیاست ها و قوانین ن ستیزانه حاکم، چشم انداز رهایی زنان از ستمکشی سرمایه داری را به روی جامعه گشوده اند؛ جایگاه ویژه ای در شکل دادن به این چپ اجتماعی دارند. این جریان چپ اجتماعی همچنین گرایش سوسیالیستی درون

جنبش دانشجویی را در برمی گیرد که در تقابل با گرایشات نئولیبرال بورژوایی ایران و جریان های ارتجاع اسلامی پرچم اتحاد با جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی را برافراشته است؛ فعالین و رهبران جنبش بازنشستگان که بر گرفتن حق خود در کف خیابان تأکید می کنند؛ آن بخش از نویسندگان، خبرنگاران، استادان دانشگاه، سینماگران و هنرمندانی را در بر می گیرد که با فرهنگ، سیاست ها و ایدئولوژی طبقه حاکم درافتاده، از منافع و مبارزه کارگران و زحمتکشان به دفاع برخاسته اند؛ آن نیروهایی که در کردستان بیرق مبارزه و تسلیم ناپذیری در مقابل رژیم جمهوری اسلامی، در افتادن با ارتجاع محلی و همبستگی با جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی در سراسر ایران را برافراشته اند. جنبش انقلابی ژینا به رغم فراز و فرودهایش با نقش آفرینی همین چپ اجتماعی آغاز و جریان دارد. مضمون خواسته ها و مطالبات بخش های مختلف این چپ اجتماعی را شعار "نان، کار، آزادی" به هم پیوند زده است.

اگر چه بازتاب سیاسی فعالیت ها و مبارزات و پیوندهای معنوی احزاب و سازمانهای جنبش کمونیستی ایران در تحول آگاهی و شفاف شدن مطالبات بخش های مختلف این جریان چپ اجتماعی غیر قابل انکار است، اما احزاب و سازمان های موجود به رغم پیشرفت هایی که داشته اند به جز موارد استثنایی هنوز در ابعاد اجتماعی رابطه ارگانیک و سازمانیافته ای با این نیروی چپ اجتماعی و با جنبش طبقه کارگر و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی ندارند. به عبارت دیگر هنوز جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اعتراضی در جامعه در بعد اجتماعی با جنبش کمونیست های متحزب و سازمانیافته در هم تنیده نشده و به هم نرسیده اند.

یک کمبود اساسی که این نیروی چپ اجتماعی و اعتراضات و خیزش هایی که با تلاش و مداخله گری این نیرو جریان دارد از آن رنج می برد، این واقعیت است که این حرکت ها هنوز در یک جنبش واحد سیاسی برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و دگرگونی آگاهانه مناسبات سرمایه داری حاکم تلفیق نشده اند. این نیروی چپ اجتماعی فاقد سازمانیابی در خور نیاز این دوره و فاقد رهبری سیاسی سراسری است. از اینرو پائینی ها و فرودستان جامعه هنوز یک آلترناتیو نیرومند را در صحنه نمی بینند که برای رهایی خود به آن امید ببندند. در شرایط کنونی تداوم جنبش اعتراضی و اعتصابی کارگران و جنبش انقلابی جاری فرصت مناسبی را برای نیروهای جنبش کمونیستی سازمانیافته و متحزب ایران فراهم آورده است تا با پاسخگویی به نیاز این جنبش ها و یاری رساندن به رفع موانع و معضلاتی که سر راه آن وجود دارد، بتوانند بر این جدایی غلبه کنند و پیش شرط های تأمین یک رهبری سیاسی

سراسری با راهبرد سوسیالیستی را فراهم آورند. درک مشترک و همگرایی میان رهبران و فعالین جریان چپ اجتماعی و کمونیست های متحزب در پاسخ دادن به معضلات سر راه جنبش کارگری و جنبش انقلابی جاری، کلید به هم رسیدن و تلاقی این دو بخش از جنبش چپ رادیکال و سوسیالیستی است.

در این میان شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست که شش حزب و سازمان رادیکال و کمونیستی در آن متشکل هستند، با نهادینه کردن همکاری ها و به ویژه تأسیس کانال مشترک تلویزیونی بیست و چهار ساعته با نام "آلترناتیو شورایی" که اکنون بیش از چهار سال از فعالیت آن می گذرد، و شبکه های تلویزیونی مربوط به هر یک از این نیروها با رویکرد پرداختن و پاسخ دادن به مسائل و معضلات جنبش های اجتماعی از زاویه منافع طبقه کارگر و سوسیالیسم برنامه های خود را از این کانال پخش می کنند و امکان این را فراهم کرده اند که بسیاری از کمونیست های مستقل هم از این طریق صدای خود را به فعالین داخل برسانند؛ گام ارزنده ای در راستای جهت گیری های فوق بوده است. این نوع فعالیت های رسانه ای و راه اندازی پایگاههای اطلاع رسانی در شبکه های مختلف اجتماعی از جانب نهادهای کارگری و فعالین رادیکال جنبش های اجتماعی در داخل و خارج از ایران زمانی اهمیت خود را برجسته تر نشان می دهد که حجم فعالیت های چندین غول رسانه ای امپریالیستی مانند بی بی سی، ایران انترنشنال، صدای آمریکا، من و تو و... و بمباران تبلیغاتی آنها برای رهبر تراشی و به بیراهه بردن این جنبش را از نظر بگذرانیم. نیروهای این چپ اجتماعی و جنبش کمونیستی ایران با امکانات رسانه ای محدودی که دارند در برابر این بمباران تبلیغاتی ایستادند و با افشای ماهیت واقعی این تبلیغات و پروژه های سیاسی اپوزیسیون راست بورژوایی تلاش کردند که افق انقلابی و سوسیالیستی را پیش روی این جنبش انقلابی جاری قرار دهند. با اینحال جنبش کمونیستی هنوز از ایفای نقش میدانی در امر سازمانیابی و رهبری و سر و سامان دادن به پایه اجتماعی آلترناتیو سوسیالیستی فاصله دارد. اوضاع متحول کنونی از شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست می طلبد که بیش از گذشته در نقش رهبری سیاسی ظاهر شده، توافق بر سر اهداف سیاسی استراتژیک و اشتراک نظر در تحلیل و ارزیابی از اوضاع سیاسی را به استنتاج مبانی تاکتیکی مشترک و سیاست گذاری در این دوره انقلابی ارتقا دهند و برای انسجام بخشیدن به قطب چپ و سوسیالیستی در داخل و خارج به طور نقشه مند تر عمل کند.

### وظایف و چه باید کردها؟

تبلیغات سیاسی و کلیه فعالیت های حزب ←



کمونیست ایران در این دوره باید در خدمت پیشبرد جهت گیری ها و وظایف زیر قرار گیرد:

از آنجا که تشدید سرکوب از ارکان اساسی استراتژی بقای رژیم جمهوری اسلامی است، منافع مبارزه طبقه کارگر ایجاب می کند که در هم شکستن این سیاست راهبردی و زمینگیر کردن ماشین سرکوب و تضمین پیشروی جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلامی یکی از محورهای استراتژی فعالین سوسیالیست جنبش کارگری باشد. طبقه کارگر ایران فقط با حضور در صحنه سیاسی جامعه با تلفیق مبارزه اقتصادی با خواسته های سیاسی و با برافراشتن پرچم دفاع آزادی همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام و لغو قانون حجاب اجباری و ... و با برپایی اعتصابات سراسری در مراکز و مؤسسات کلیدی تولید و تبدیل شدن به ستون فقرات اعتصابات سیاسی توده ای می تواند این رسالت را به انجام برساند. در این راستا پیوندها و همکاری نهادینه شده فعالین و پیشروان کارگری در مراکز کلیدی تولیدی و خدماتی از اهمیت زیادی برخوردار است.

از آنجا که ایجاد تشکل های توده ای و طبقاتی کارگران یک رکن اصلی پیشروی جنبش کارگری ایران و تلاش در این زمینه یکی از اولویت های فعالین سوسیالیست درون جنبش کارگری است، باید نشان داد که بر بستر فضای انقلابی عمومی در جامعه، تداوم جنبش اعتصابی کارگران و با تکیه بر وجود تشکل ها و کادرهایی که در دل مبارزات طبقه کارگر پرورده شده اند، ایجاد شوراهای کارگری و دیگر تشکل های توده ای و طبقاتی کارگران ممکن است.

از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی در راستای پیشبرد سیاست راهبردی تشدید سرکوب و برای بقای خود به شبکه ای از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی حزب پادگانی سپاه پاسداران و سازمان بسیج در محلات شهرهای مختلف ایران که امر خبرچینی و به دام انداختن فعالین سیاسی و اجتماعی را پیش می برند متکی است، توجه سوسیالیست های جنبش کارگری به سازمانیابی کارگران در محیط زیست از اهمیت زیادی برخوردار است. فعالیت شبکه های جاسوسی و امنیتی سپاه و بسیج را می توان با سازماندهی از پایین و با ایجاد و گسترش شبکه های جوانان انقلابی، نهادهای توده ای و شوراهای محلات خنثی کرد.

طبقه کارگر برای به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی و نظام طبقاتی حاکم لازم است همه جنبش های پیشرو اجتماعی مانند جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش انقلابی کردستان، جنبش مادران دادخواه و ... را با خود همراه و متحد کند. از این رو تحکیم پیوند فعالین و رهبران این جنبش ها یک رکن فعالیت نقشه مند سوسیالیست های جنبش کارگری

زنان، توده ای کردن این جنبش و آوردن زنان کارگر و زحمتکش در ابعاد میلیونی به میدان مبارزه است. فعالین سوسیالیست جنبش زنان باید کار و فعالیت در میان این توده عظیم زنان کارکن و زحمتکش، به ویژه در محلات حاشیه شهرها را محور فعالیت خود قرار دهند و به سازمانیابی آن در شوراها و انجمن ها و نهادهای توده ای یاری رسانند.

در سال های اخیر بحران های محیط زیست و سیاست های ضد زیست محیطی حکومت اسلامی که هستی، امنیت و رفاه انسان ها را تهدید می کند، زمینه ساز شکل گیری اعتراضات و مبارزات توده ای در مناطق مختلف ایران شده است. شرکت فعالان در این جنبش ها و حرکت های اعتراضی در دفاع از محیط زیست و تلاش برای بالندگی این مبارزات یک وجه مبارزه کمونیست ها برای تأمین رهبری جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در مبارزه همگانی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نظام طبقاتی حاکم است. تنها با حضور فعال در این مبارزات است که می توان مانع به بیراهه رفتن این مبارزات شد و از تبدیل شدن این اعتراضات به نیروی ذخیره جناحی از بورژوازی علیه جناح دیگر جلوگیری کرد. یکی دیگر از پیش شرط های پیشروی جنبش انقلابی جاری شکل دادن به رهبری سراسری است. این پدیده رهبری از عنصر سازمانیابی جدا نیست. این جنبش به میزان پیشرفت در امر سازمانیابی از رهبری هم برخوردار بوده است. خیزش ها و اعتراضات توده ای و اعتصابات کارگری در سالهای اخیر رهبران خود را هم پرورده کرده اند. به هم مرتبط شدن و به هم پیوستن این رهبران محلی می تواند گامی در راستای شکل گیری رهبری سراسری باشد. حزب کمونیست ایران باید به این روندها کمک کند.

در خارج از کشور بسیاری از پناهندگان و مهاجرینی که خود زیر فشار سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی به خارج کشور پناه برده اند، امروز در صف اعتراض عمومی علیه رژیم و به نشانه همبستگی با جنبش انقلابی در ایران به خیابان می آیند. ما در همکاری با دیگر نیروهای چپ و کمونیست باید وسیعاً تلاش کنیم که همه انسانهای آزادیخواه و مترقی که در اعتراض علیه دیکتاتوری و اختناق در ایران و برای رهایی کارگران، زنان، جوانان، ملیتهای تحت ستم و همه مردم ستم دیده و جان به لب رسیده ایران به میدان می آیند را در صفوفی قدرتمند علیه جمهوری اسلامی بسیج نماییم. برای جلب این نیروی وسیع بایستی سبک کاری جدید و فراسازمانی که مناسب این شرایط جدید برای جلب همبستگی عمومی باشد در پیش گرفت. در این راستا می توان به تقویت و گسترش شوراهای همبستگی با جنبش انقلابی ایران و یا هر نهاد مبارزاتی دیگری که بتواند کل این پتانسیل اعتراضی



اپوزیسیون راست از وجود آنان تغذیه کرده و از آنان به عنوان چماقی برای کوبیدن و حمله به نیروهای چپ و سوسیالیست استفاده می کند، افشای ماهیت این جریان باید بخشی از وظایف کمونیست ها در این دوره باشد.

حزب کمونیست ایران در راستای پاسخگویی به نیازهای مبارزه سیاسی و طبقاتی در این دوره آماده است همکاری های فشرده تری را با سازمانها و احزاب متشکل در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست چه در سطح سراسری و چه در سطح کردستان پیش ببرد.



## پیام کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران به زندانیان سیاسی!

مرداد ۱۴۰۳

آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی، عقیده و بیان و به مانند جریانی که تحقق چنین آزادی هایی را پیش شرط رشد و شکوفائی استعداد و خلاقیت های فردی و اجتماعی انسانها و گامی در مسیر انقلاب کارگری و سوسیالیستی و برپایی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه می داند، بار دیگر از تریبون کنگره چهاردهم همبستگی خود را با زندانیان سیاسی و خانواده این عزیزان و مادران و خانواده های دادخواه اعلام می کند. شرکت کنندگان در کنگره چهاردهم ضمن اعلام همبستگی عمیق خود با این عزیزان بر اهمیت سیاسی و حیاتی بر افراشتن پرچم مبارزه برای آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام در مبارزات کارگری و توده ای تأکید کردند.

ما همه مردم مبارز ایران را به حمایت و همبستگی با خانواده زندانیان سیاسی و خانواده های دادخواه فرا می خوانیم. ما به سهم خود تلاش می کنیم که در فضای انقلابی موجود و در شرایطی که جنب و جوش مبارزاتی سراسر جامعه را فرا گرفته است خواست آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام در صدر خواسته های مبارزات کارگران و توده های معترض قرار گیرد. به امید آن روز که به نیروی کارگران و زحمتکشانشان و توده های آگاه و متحد رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به زیر کشیده شود، درب زندان ها شکسته شوند و زندانیان سیاسی در آغوش گرم عزیزان خود و توده های قیام کننده سرود آزادی و پیروزی سر دهند.

کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران

مرداد ۱۴۰۳ اوت ۲۰۲۴



در کردستان ضروری است که تقویت این روندها را در اولویت کار و وظایف خود قرار دهند. روشنگری در مورد ماهیت سیاست های احزاب ناسیونالیست و تلاش برای بیرون آوردن توده های کارگر و زحمتکش و مردم کردستان از زیر نفوذ این سیاست ها یکی دیگر از وظایف تعطیل ناپذیر کومهله و جنبش سوسیالیستی در کردستان است.

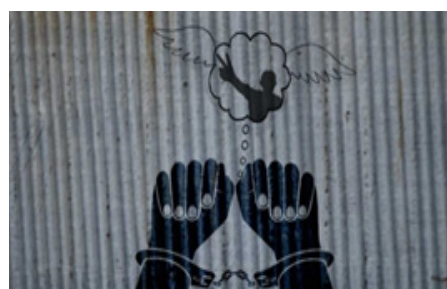
اگر چه جریان موسوم به " چپ محور مقاومتی ایران" که با ادعا و با سابقه ی چپ آشکارا با جنبش های پیشرو و آزادیخواهانه ضدیت کرده و از جناحی از جمهوری اسلامی طرفداری می کنند در جامعه نفوذی ندارند، اما از آنجا که برخی از جریان های

علیه جمهوری اسلامی را فعال کند، همت گماشت.

فعالین چپ و رادیکال و سوسیالیست در کردستان لازم است از هم اکنون ابتکار عمل برپایی جنبش توده ای علیه بیکاری و فقر و فلاکت اقتصادی، به میدان آوردن و سازماندهی زنان کارگر و زحمتکش در محلات حاشیه شهرها، گسترش مبارزه برای دفاع از حقوق کودکان، حضور فعال در جنبش دفاع از محیط زیست، یاری رساندن به تداوم و گسترش جنبش معلمان و بازنشستگان و پرستاران را در دست بگیرند. کومهله - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

شجاعت و رزمندگی زندانیان سیاسی، زندان هم مانند خیابان و کارخانه و دانشگاه به یکی از سنگرهای مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه تبدیل شده است.

زندانهای سیاسی در حالی به بند کشیده شده و از حضور در کانون گرم خانواده و دوستان



محروم شده اند که محاکمه و مجازات، درخور و شایسته کسانی است که بیش از چهل سال است در پناه حاکمیت جنایتکار اسلامی به غارت اموال و امنیت و آزادی مردم مشغول بوده و هستند. کسانی سزاوار مجازات هستند که فرزندان مردم را اعدام و در گورهای بی نام و نشان دفن می کنند، نه آن فعالین کارگری که از حق حیات و معیشت کارگران دفاع می کنند، نه آن زنان آزاده ای که تبعیض جنسیتی و حجاب اجباری را به چالش کشیده اند، نه آن نویسنده، فیلمساز و خوانندگانی که به سانسور تن نمی دهند و برای بیان اعتراض از حق انسانی، اولیه و اساسی خود، آزادی بیان، استفاده کرده اند، و نه آن جوانانی که خواهان حقوق فردی و اجتماعی و خواهان حق تعیین سبک زندگی خود هستند.

حزب کمونیست ایران به عنوان مدافع پیگیر

کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران در شرایطی برگزار شد که صدها نفر از فعالین و چهره های شناخته شده جنبش کارگری ایران، معلمان مبارز، زنان آزاده و شجاع و برابری طلب، دانشجویان آزادیخواه، نویسندگان و هنرمندان پیشرو، رزمندگان جنبش انقلابی ژینا و معترضان به ادامه وضع موجود در زندان و شکنجه گاههای رژیم جمهوری اسلامی بسر می برند. در سایه حاکمیت این رژیم جنایتکار شماری از این زندانیان سیاسی از جمله شریفه محمدی، پخشانشان عزیز، مجاهد کورکور، عباس دریس و ... به اتهامات واهی و بی اساس زیر حکم اعدام قرار گرفته اند. این انسانهای مبارز فقط به جرم دفاع از حقوق کارگر، به چالش کشیدن نظام تبعیض جنسیتی، دفاع از آزادی بیان و حرمت انسانی، و به جرم استفاده از حق پایه ای خود یعنی اعتراض علیه نظام ظالمانه حاکم به زندان افکنده شده و داس مرگ بر بالای سرشان آویزان شده است.

اما به رغم تشدید فشار بر زندانیان و ادامه اعدام ها، زندانیان سیاسی پشت میله های زندان را نیز به سنگر مقاومت و مبارزه علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تبدیل کرده اند. اگر سران جمهوری اسلامی تلاش می کنند با تشدید فشار بر زندانیان و ادامه موج اعدام ها فضای رعب و وحشت را بر محیط زندان حاکم کرده و آن فضا را به بیرون زندان ها انتقال دهند، در مقابل، زندانیان سیاسی این زنان و مردان شجاع و آزاده زندان را به میدان مبارزه علیه مجازات اعدام و به پایگاه دفاع از آزادی و حرمت انسانها تبدیل کرده و همین شور و شوق و مبارزه جویی را به بیرون زندان انتقال می دهند. اکنون به پشتوانه ایستادگی،



## پیام کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران به خانواده جانباختگان

## جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سردبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با  
کمیته تشکیلات دلال کشور  
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات  
دلال کومه له (تکشن)

takesh.komalah@gmail.com

رسیده اند توده های مردم دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند که بترسند. تداوم اعتصابات و اعتراضات کارگران، اعتراضات پیگیرانه بازنشستگان، مبارزات شجاعانه زنان و زندانیان سیاسی و ... بیانگر این واقعیت است که افزایش صدور احکام اعدام و موج اعدام ها برای بازگردان جامعه به قبل از جنبش انقلابی ژینا فقط خشم و اعتراض توده ها را متراکم تر و طوفانهای اجتماعی کوبنده تری را برای جارو کردن حکومت اسلامی نوید می دهند.

خانواده های عزیز!

ما شرکت کنندگان در کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران پیمان تازه می کنیم که راه سرخ جانباختگان را تا سرنگونی انقلابی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و پی افکندن نظامی نوین ادامه دهیم. نظامی اجتماعی که در آن هیچ خانواده ای عزیزان خود را به خاطر داشتن اندیشه سیاسی، به خاطر مطالبه آزادی و به خاطر مطالبه نان از دست ندهد. جامعه ای که در آن هر نوع کشتار و اعدام انسانها به عنوان قتل عمد دولتی، به مثابه عملی ننگین همراه با وسایل اجرای آن، طناب و دار به زباله دان تاریخ ریخته شوند. جامعه ای که هدف اصلی آن تأمین آزادی و برابری و رفاه انسانها باشد.

کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران تعهد عمیق خود را جهت تداوم مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار جامعه ای آزاد و برابر و مرفه اعلام میکند. این تعهد ناشی از مسئولیتی است که حزب در قبال کارگران و زحمتکشان و همه خانواده هائی دارد که طی بیش از چهاردهه گذشته عزیزان خود را در راه رهایی انسانها از مصائب نظام ظالمانه سرمایه داری از دست داده اند. راه جانباختگان صفوف حزب کمونیست ایران و کومه له، راه همه جانباختگان آزادی و سوسیالیسم بدون وقفه ادامه دارد.

کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران

اوت ۲۰۲۴

مرداد ۱۴۰۳



کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران به همه خانواده های جانباختگان صفوف حزب و کومه له و جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، که عزیزانشان در عرصه های مختلف مبارزه علیه رژیم سرمایه داری اسلامی، در راه رهایی انسان استثمار شده جان باختند، به همه خانواده های داغداری که فرزندانسان در جریان جنبش انقلابی ژینا و خیزش های توده ای سالهای اخیر خونشان بر کف خیابان ریخته شد، به خانواده کارگرانی که به جرم مبارزه برای تحقق خواسته های خود مورد اصابت گلوله های دشمن قرار گرفتند، به خانواده همه آنهائی که در زندانهای رژیم جان خود را در راه آزادی از دست دادند، درود می فرستد. درود می فرستد به همه مادرانی که در مراسم خاکسپاری فرزندانسان به جای آنکه زانوی غم در بغل بگیرند، با شجاعت و بانگی رسا اعلام کردند که بذر آزادی را کاشته اند و به ما درس ایستادگی دادند.

این امواج کشتار و اعدام های رژیم جمهوری اسلامی چه در خیابان و چه در زندان غم و اندوه سنگینی بر قلب خانواده جانباختگان و همه ما بجای گذاشته است، اما بدون تردید رژیم جنایتکار اسلامی با این امواج سرکوب نه فقط نمی تواند شکست های سیاسی - ایدئولوژیک، فرهنگی و بحران های اقتصادی و اجتماعی خود را جبران و بقای خود را تضمین کند، بلکه نتوانسته و نمی تواند انسانهای آزادیخواه و برابری طلب را مرعوب نماید. وقتی تحت حاکمیت رژیم اسلامی ابعاد گرانی، بیکاری و فقر و فلاکت اقتصادی و بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی به مرز غیر قابل تحملی

## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

## در گرامیداشت دومین سالگرد جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی»!

و نیروهای جنبش کمونیستی ایران، نتوانست به اهداف آزادیخواهانه و عدالت جویانه خود دست یابد. آگاهی به این ضعف و مبارزه برای رفع آن، یکی از درس های بزرگی است که در پناه فداکاری و جان باختن صدها نفر از جانب‌آختگان این جنبش و اسارت و شکنجه و تبعید هزاران نفر دیگر، به بهایی بس سنگین به دست آمده است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در سالگرد جنبش انقلابی ژینا، ضمن گرامیداشت یاد همه جانب‌آختگان این جنبش عظیم توده ای، ضرورت پیوند و سازماندهی هر چه بیشتر مبارزات و اعتراضات کارگران و سایر جنبش های اجتماعی آزادیخواه و برابری طلب، و همچنین تلاش برای شکل دادن به یک آلترناتیو سوسیالیستی برای سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را از اهم وظایف خود می داند.

ما در دومین سالگرد این جنبش عظیم انقلابی، از همه نیروهای آزادیخواه، مبارز و چپ و سوسیالیست می خواهیم که با حضور در برنامه های اعتراضی که بدین مناسبت سازمان داده می شود بطور فعال شرکت نمایند.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!  
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم!**

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

۲ شهریور ۱۴۰۳ برابر با ۲۳ اوت ۲۰۲۴



مراکز آموزش و بهداشت و درمان، صنایع و معادن کوچک و بزرگ، و خیل وسیع بازنشستگان و بیکاران، و مقاومت و مبارزات شجاعانه زندانیان سیاسی و زنان و هنرمندان و روشنفکران متعهد به مردم، همه و همه، نشان از آن دارد که اکثریت عظیم مردم ایران



تصمیم خود را در مقابل این رژیم آدمکش گرفته اند و به چیزی کمتر از سرنگونی انقلابی آن تن نخواهند داد. از همین رو می توان گفت که تلاش رژیم در اعدام زندانیان سیاسی به قصد ایجاد ترس و وحشت در جامعه به تمامی شکست خورده و علیرغم خسارات بسیاری که به جنبش وارد آورده و می آورد، اما نتوانسته و بعد از این هم نمی تواند خدشه ای در تداوم مبارزات انقلابی مردم ایران ایجاد نماید.

جنبش انقلابی ۱۴۰۱، اگر چه دستاوردهای بس مهمی داشته است و کماکان به اشکال گوناگون ادامه دارد، اما شوربختانه به دلیل ضعف هایی که داشت نتوانست ماشین سرکوب و تمامیت رژیم جمهوری اسلامی را از پای در آورد. این جنبش علیرغم فداکاری و شجاعت بی نظیر زنان و جوانان و سایر توده های عاصی مردم و به رغم برخورداری از درصدی از ارتباط و سازماندهی درونی، از آنجا که موفق نشد بخش های وسیع تری از توده ها زحمتکش را به میدان مبارزه بکشاند، و بویژه به دلیل عدم حضور سازمان یافته و راهبری جنبش کارگری

در حالی که دومین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی (ژینا) نزدیک می شویم که خشم و نارضایتی توده های کارگر و زحمتکش در کنار تداوم مبارزات درخشان زنان، زندانیان سیاسی، دانشجویان، جوانان، روشنفکران و هنرمندان مترقی و آزادیخواه بیش از پیش می رود تا طومار رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را در هم پیچیده و به زباله دان تاریخ بسپارد.

برآمد جنبش انقلابی ۱۴۰۱، توده های مردم بجان آمده از سرکوب، فقر، استثمار، بیکاری، خشونت، تبعیض های جنسیتی و بی حقوقی فردی و اجتماعی نهادینه شده در تمامیت رژیم جمهوری اسلامی در ادامه خیزش های انقلابی دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ به مدت چند ماه، ماشین سرکوب و بیداد رژیم را به چالش گرفت. این جنبش انقلابی، با شعار «زن، زندگی، آزادی»، نسلی رزمنده و فداکار از زنان و مردان پرشور و جویای آزادی را به مبارزات مردم ایران برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی کشانید. این جنبش، طی چند ماه تمامی نمادهای توحش، بربریت و دستگاه ایدئولوژیک رژیم را تکان داد و اعتبار و اتوریته آنرا بطور جبران ناپذیری خدشه دار کرد. تعرض خیزش انقلابی «ژینا» همچنین نیروهای بورژوازی مدافع حکومت های موروثی - چه از نوع «دمکراتیک اسلامی» و چه سلطنت طلبان - را نیز با ظنن شعارهایی نظیر «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر» را هم به چالش کشید و شعارهای توخالی و فریبکارانه آنان را برملا ساخت.

در دو سال گذشته، رژیم جمهوری اسلامی علیرغم بکارگیری ماشین سرکوب و کشتار، و ارتکاب شنیع ترین جنایات ممکن، نه تنها نتوانسته این جنبش را به زانو در آورد، بلکه تداوم و گسترش مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم در کارخانه ها،

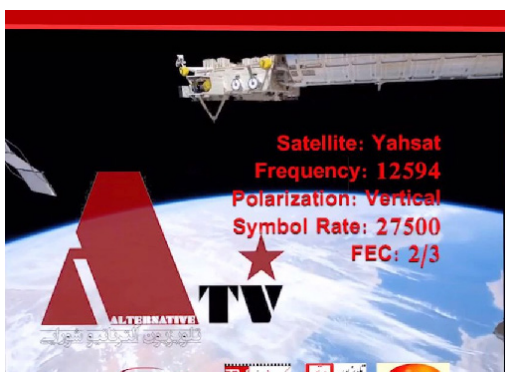
تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له برنامه های خود را به همراه تلویزیون های «دمکراسی شورایی»، «پرتو» و «برابری» بر روی کانال ماهواره ای «تلویزیون آلترناتیو شورایی» کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.

## ساعت پخش برنامه های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له به وقت تهران:

- آغاز برنامه ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازده و نیم قبل از ظهر

"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"

نیز روی همین کانال برنامه های مشترک خود را تحت عنوان تلویزیون "آلترناتیو شورایی" در روزهای سه شنبه و یکشنبه هر هفته برنامه های خود را پخش می کند.



## اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له در محکومیت موج جدید اعدام

## مبارزه برای لغو مجازات اعدام و آزادی زندانیان سیاسی را به یک جنبش نیرومند اجتماعی تبدیل کنیم!

۱۸ زندان در شهرهای ایران ادامه دارد.

حکومت اسلامی که با بحرانهای ساختاری و ریشه‌ای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک روبرو است؛ با خواست و مطالبات کارگران و دیگر اقشار جامعه مواجه است و توانایی پاسخگویی به هیچ یک از آنها را ندارد، بیش از گذشته تضعیف و بی‌پایه شده است. این رژیم که تا کنون جز فقر و بیکاری و گرسنگی و جنگ و کشتار و استبداد و اختناق و ناامنی، اعدام و زندان و شکنجه، دستاورد دیگری برای مردم نداشته، عمرش به پایان رسیده است. آوردن پزشک‌های این اصلاح طلب ذوب شده در ولایت، به مقام ریاست جمهوری نه تنها نمی‌تواند توهمی در میان مردم نسبت به رژیم ایجاد می‌نماید، بلکه جدال و کشمکش‌های درون باندهای حکومتی را تشدید خواهد کرد.

در چنین شرایطی باید پرچم مبارزه برای لغو مجازات اعدام و آزادی بدون قید شرط زندانیان سیاسی را برافراشت و متحد و یکپارچه به میدان آمد. اعدام با اهداف سیاسی با هر توجیهی انجام گیرد قتل عمد دولتی است و خشونت در جامعه را دامن می‌زند و باید با تکیه بر یک جنبش اجتماعی پر قدرت بساط آن برچیده شود. جنبش انقلابی کردستان که مردم ایران در خیزش انقلابی ژینا از آن به عنوان "چشم و چراغ ایران" یاد کردند به مانند یکی از پایه‌های استوار هر تحول انقلابی در ایران باید در این راستا نیز نقش خود را در مبارزه علیه مجازات اعدام و در همبستگی با سایر جنبشهای اجتماعی در بُعد سراسری برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی ایفا نماید.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، برابری، زنده باد حاکمیت شورایی مردم در کردستان

کمیته مرکزی کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

۲۱ مرداد ۱۴۰۳

۱۱ اوت ۲۰۲۴



مهاجران افغانستانی بوده اند.

طی این مدت اعدام و دستگیری زنان نیز بطور بی سابقه‌ای افزایش یافته تا جایی که از این تعداد اعدامی، ۱۵ نفرشان زن بودند. رژیم اسلامی با صدور احکام اعدام برای فعالین این جنبش، از جمله شریفه محمدی، پخشانش عزیز، و ریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری، بار دیگر زبونی و ناتوانی خود در مقابل جنبش زنان نشان داد. در هفته گذشته همچنین سه زندانی اهل بوکان نیز در دادگاهی در ارومیه به اتهام خرافی "بغی" تحت محاکمه قرار گرفتند.

توسل حکومت جمهوری اسلامی به اعدام زندانیان مبارز و بی‌دفاع در زندانها نه نشانه قدرت بلکه نشانه اوج درماندگی و زبونی رژیم است. احکام اعدام صادر شده در بیدادگاههای جمهوری اسلامی به دستور مقامات دستگاههای امنیتی، بدون در دست داشتن هیچ دلیل و مدرکی و تنها با اتکا به گرفتن اجباری تحت شکنجه‌های وحشیانه از زندانیان صادر می‌گردند. این احکام سیاسی از نظر رژیم پوسیده اسلامی در خدمت تداوم حاکمیتش خواهد بود. زیرا می‌داند هر عقب نشینی در مقابل جنبشهای اجتماعی موجب گسترش بیشتر اعتراضات توده‌ای علیه حکومت خواهد شد. اما این اعدامها نه تنها موجب ترس و وحشت در جامعه نشده‌اند بلکه عزم کارگران و توده‌های مردم به جان آمده از حاکمیت جمهوری اسلامی را در مبارزه برای سرنگونی رژیم راسخ تر خواهد کرد. اینک زنان مبارز، زندانهای جمهوری اسلامی را نیز به میدان مبارزه علیه مجازات اعدام تبدیل کرده‌اند. کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام که اینک وارد ۲۹مین هفته خود شده است در بیش از

در پی شکست نمایش‌های انتخاباتی و ترور اسماعیل هنیه توسط دولت نژادپرست اسرائیل در تهران که موجب تحقیر شدید و سرشکستگی جمهوری اسلامی شد، سران رژیم به منظور مقابله با پیامد این شکست ها و تشدید فضای رعب و وحشت در جامعه سرعت ماشین اعدام را شتاب بخشیده‌اند. ترور هنیه در تهران بار دیگر جار و جنجال ادعای "اقتدار جمهوری اسلامی" برای توده‌های مردم در داخل و خارج را زایل ساخت و موقعیت منطقه‌ای رژیم را نیز بیش از پیش تضعیف نمود. جمهوری اسلامی نگران از بروز برآمد اعتراضات توده‌ای علیه گرانی و فقر و فلاکت اقتصادی و علیه سیاستهای جنگ افروزان منطقه‌ای، به تشدید سرکوب و موج اعدام زندانیان بی دفاع پرداخته است. البته این اولین بار نیست که رژیم اسلامی به دنبال شکست سیاستهای کلانش به جان زندانیان تعرض می‌کند و خون آنان را وثیقه تداوم حاکمیت ننگینش قرار می‌دهد.

رژیم جمهوری اسلامی با علم به شکاف و دشمنی عمیق میان حکومت و توده‌های مردم می‌داند، بر چه دریایی از نفرت و بی‌زاری مردم ستم‌دیده نشسته است؛ می‌داند که هرآن احتمال می‌رود با بروز یک انفجار عظیم اجتماعی بساط حاکمیت دیکتاتوری و فقر و گرسنگی اش درهم پیچیده شود. از این نظر برای ایجاد ترس و ناامنی در جامعه و با استفاده از فضای جنگی ایجاد شده به تشدید سرکوب و اعدام زندانیان پرداخته است. در فاصله یک هفته اخیر سحر گاه روز شنبه ۱۳ مرداد حکومت اسلامی سه زندانی را در زندان عادل آبان شیراز اعدام کرد. روز ۱۶ مرداد رضا رسایی از بازداشت شدگان جنبش انقلابی ژینا را در زندان مرکزی کرمانشاه و چهار زندانی دیگر را در بندرعباس و سبزوار به دار آویخت. در روز ۱۷ مرداد، در زندان قزلحصار و زندان مرکزی کرج، حکومت اسلامی جان ۲۹ انسان دیگر را گرفت. روز جمعه ۱۹ مرداد نیز دیوان عالی جمهوری اسلامی حکم اعدام ۶ زندانی سیاسی دیگر در مشهد را تأیید کرد. بنا به آمارهای منتشره رژیم اسلامی در هفت ماه گذشته بیش از ۳۰۰ نفر را اعدام کرده که تعداد زیادی از آنان، کرد، بلوچ و

## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

### جمهوری جنایتکار اسلامی بعد از انتخابات اخیر اعدام زندانیان را سرعت بخشیده است!

روز است به اعتراض به خیابان آمده‌اند. زنان علیه حجاب اجباری با سرکوبگران رژیم می‌حنگند.

رفتار جنایتکارانه جمهوری اسلامی، اعدام بی وقفه زندانیان، گسترش اختناق و واکنش خشن به اعتراضات، بخاطر ترس از مبارزه و مقاومت عموم مردم است. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، همه مردم آزادیخواه در داخل و خارج کشور را به گسترش اعتراض علیه اعدام و اختناق فرا می‌خواند.

سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی تنها به دست مردم و در راس آن با شکل‌گیری اعتصابات سراسری و همبسته کارگران و مبارزات زنان و آزادیخواهان امکان‌پذیر است. این واقعیت روشن، تنها راه‌هایی از جنایات فجیع رژیم جمهوری اسلامی است.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی**

**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم**

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت  
۱۹ مرداد ۱۴۰۳ - ۹ اوت ۲۰۲۴



شده استفاده کرده به اعدام جوانان در زندان‌ها و دستگیری و تشدید اختناق سرعت بخشیده است. این رژیم که خود با نیروهای نیابتی‌اش یک پای جنگ و ترور در داخل و بیرون مرزها می‌باشد، از فضای جنگی و تشدید تنش با رقبایش در جهت حاشیه‌ای کردن اعتراض و ناراضی‌مردم در داخل بهره می‌برد.

جمهوری اسلامی که غرق در بحران‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است برای مقابله با تشدید ناراضی‌مردم و نفرت عمومی مردم ناچار به تغییر آرایش شده و این‌بار پزشک‌های را جلو صحنه رانده به این امید که برای بقای خود وقت بخرند. کابینه پزشک‌های که با حمایت از نیروهای نیابتی تروریستی و گسترش اعدام در ایران کارش را آغاز کرد، با گسترش اعدام در زندان‌ها و استفاده از فضای جنگی، برای مقابله با ناراضی‌مردم و پیش‌گیری از برآمدها و خیزش‌های بعدی به میدان آمده است.

اعدام، دستگیری و تشدید اختناق اگر چه از مردم تلفات می‌گیرد، اما نتوانسته جامعه را مرعوب کند و به سکوت بکشانند. اعدام رضا رسایی و حکم اعدام برای فعالین زن، شریفه محمدی، پخشان عزیز، و ریشه مرادی و نسیم غلامی سیمیری با واکنش زندانیان سیاسی، بویژه زنان زندانی مواجه شده و به بی‌زاری و نفرت از جمهوری اسلامی دامن زد. اعتراضات کارگری در اشکال مختلف در جریان است. بازنشستگان خیابان را ترک نکرده‌اند. کارگران واگن سازی پارس چند



در فضای جنگی و تنش ایجاد شده میان دولت‌های مرتجع و تروریست اسرائیل و ایران، اعدام و اختناق تشدید شده و جمهوری اسلامی از سر عجز و ناتوانی با اعدام زندانیان انتقام ترور هنیه را از مردم می‌گیرد.

از آغاز مضحکه انتخاباتی رئیس جمهوری تا کنون، دهها زندانی را در زندان‌های مختلف به دار آویختند. رضا رسایی زندانی سیاسی از بازداشت شدگان خیزش انقلابی ۱۴۰۱ سحرگاه سه شنبه ششم اوت بدون آخرین ملاقات با خانواده‌اش اعدام و در شرایط شدید امنیتی به خاک سپرده شد. روز چهارشنبه هفتم ماه اوت، ۲۲ زندانی دسته جمعی به دار آویخته شدند. امروز نهم اوت نیز دیوان عالی کشور حکم اعدام شش زندانی سیاسی را در زندان وکیل آباد مشهد تایید کرده است.

جمهوری اسلامی که در کشتار و اعدام و جنایت از همه پیشی گرفته از فضای جنگی و تنش ایجاد

**اعضا، هواداران و دوستان حزب کمونیست ایران و کومه‌له! مردم آزاده و مبارز!**

ما برای ادامه کاری فعالیت‌هایمان به کمک مالی شما نیازمندیم! تلویزیون کومه‌له و حزب کمونیست ایران با پشتیبانی و کمک مالی شما قادر خواهد بود با کیفیت بهتر و در شبکه‌های قابل دسترس‌تر، فعالیت‌هایمان را در راستای اهداف سوسیالیستی برای تحقق زندگی‌ای شایسته انسان پیش ببرد! ما را در این راه یاری رسانید و به هر طریق و شکلی که برایتان مقدور است کمک‌های مالی خود را به تشکیلات‌های ما در محل‌های که هستید برسانید.

**کمک مالی به حزب کمونیست ایران و کومه‌له**

سایت تلویزیون کومه‌له  
www.tvkomala.com



سایت کومه‌له  
www.komalah.org



سایت حزب کمونیست ایران  
www.cpiran.org



از سایت‌های حزب کمونیست ایران و کومه‌له دیدن کنید!

## اتحاد و اعتراض سراسری رمز پیروزی ما پرستاران است!

خود کشی و یا نشستن در کنج خانه و یا مهاجرت می کردند، اینک راه صحیح و درست آن که تجمع اعتراضی و اعتصاب سازمانیافته سراسری می باشد را در پیش گرفته اند. بدون شک آنان با مبارزه پیگیرانه حکومت اسلامی را مجبور به عقب نشینی و پذیرش خواست و مطالبات خود خواهند کرد. جنبش اعتراضی پرستاران در اتحاد و همبستگی با دیگر بخش های طبقه کارگر و با سایر جنبشهای اجتماعی هم خود پر قدرت تر خواهد بود و هم دیگر جنبشها را نیز تقویت خواهد کرد.

در این مسیر پرستاران تنها نخواهند بود و از حمایت و پشتیبانی کارگران و دیگر اقشار مردم زحمتکش جامعه برخوردار خواهند بود. بدون شک مردمی که گوشه ای از نقش مهم و فداکاری و از جان گذشتگی این انسانهای شریف و زحمتکش را در جریان مبارزه علیه پاندمی کرونا به چشم خود دیده اند، از خواست و مطالبات آنان دفاع و پشتیبانی خواهند کرد. در این فاصله تعداد زیادی تشکلهای کارگران شاغل و بازنشسته، معلمان و احزاب و جریانات چپ و کمونیست با صدور بیانیه و اطلاعیه هایی از اعتصاب و اعتراضات پرستاران حمایت و پشتیبانی کرده اند و برخوردهای امنیتی و انتظامی به آنان را بشدت محکوم کرده اند. از جمله: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، تشکل اتحاد بازنشستگان، تشکل شورای بازنشستگان ایران، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست و دیگر جریانات سیاسی، از اعتصابات سراسری پرستاران حمایت و پشتیبانی کرده و اعلام نموده اند در کنار و متحد پرستاران هم سرنوشت خود خواهند بود.

بی توجهی رژیم جمهوری اسلامی به پرستاران و کادر درمانی، بی توجهی به سلامت کل جامعه است. اما معضلات پرستاران نیز همانند دیگر اقشار و طبقات فرودست جامعه، ریشه در سیاستهای ضد کارگری و سرمایه دارانه رژیم اسلامی دارد. در حکومت اسلامی سرمایه خدما پزشکی نیز به شدت کالایی شده و به عرصه ای برای سودجویی سرمایه داران پزشک و غیر پزشک و باند مافیای حکومت تبدیل شده است. پیروزی نهایی مبارزات پرستاران علیه جمهوری اسلامی همانند مبارزات کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه در گرو وجود رهبری و تشکل یابی سراسری و ایجاد هماهنگی میان آنان است.

کرده اند. در ساختار حکومت اسلامی هرگونه اعتراض اقشار و طبقات پایین جامعه نمی تواند تنها در چهار چوب مطالبات اقتصادی باقی بماند و با دخالت نیروهای سرکوبگر رژیم بلافاصله جنبه سیاسی به خود می گیرد.

”شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران“ روز جمعه ۲۶ مرداد طی اطلاعیه ای تحت نام پاسخ ما به ”مهلت سه ماهه“، به تلاشهای وزارت بهداشت و سازمان پرستاری رژیم برای پایان دادن به اعتصاب و اعتراضات پرستاران با نیرنگ ”مهلت سه ماهه“ اشاره نموده و اعلام کرده است: ”ما از این وعده ها زیاد شنیده ایم. بسیاری از مطالبات ما قابل پیگیری فوری است و احتیاجی به فرصت سه ماهه ندارد.“ شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران ”بر ادامه مبارزات خود تا تحقق مطالباتشان تأکید کرده و اعلام کرده اند: ”اتحاد و اعتراض سراسری رمز پیروزی ما است.“

پرستاران معترض و اعتصاب کننده مضمون مطالبات اقتصادی و سیاسی خود را در قالب شعارهایشان نیز به روشنی تکرار کرده اند. از جمله: ”پرستار داد بزن - حق تو فریاد بزن“، ”هزینه ها دلاریه - حقوق ما ریالی“، ”حقمونو نه گیریم - شیفتا مون هم نمی ریم“، ”یه اختلاس کم بشه - حقمان داده میشه“، ”تعرفه ما کجا است - توی جیب شماهاست“، ”تهدید و توییح دیگر اثر نداره“، ”با کرونا جنگیدیم - حمایتی ندیدیم“ و غیره.

اما جمهوری اسلامی در همان حال که با بحران عمیق اقتصادی روبرو است و با توجه به اولویت ها و سیاست های جنگ افروزان اش توان پاسخ گویی به خواست و مطالبات پرستاران را ندارد، به شدت نگران گسترش اعتراضات پرستاران است. معاون وزیر بهداشت اعتراف نمود که ”در حوزه پرستاری با چالشهای جدی روبرو هستیم که در مرز نقطه جوش و بحران است. اگر دولت و قوه قضائیه و سایر قوا دست به دست هم ندهند، یک مشکل عمومی و اجتماعی ایجاد می کند.“ البته تا کنون هم دستگاههای سرکوبگر امنیتی و قضایی و نظامی رژیم دست به دست هم داده و به جان پرستاران افتاده اند و در برابر اعتراض و اعتصاب برحق پرستاران، طبق معمول اقدام به احضار، تهدید به اخراج، پرونده سازی امنیتی و حمله وحشیانه به تجمعات پرستاران کرده اند.

با وجود این پرستاران در مقابل فقر و گرانی راهی جز ادامه اعتراض و اعتصاب سراسری پیش رو ندارند و می خواهند در کف خیابان بخشی از حقشان را به دست آورند. اگر قبلاً بعضی از پرستاران برای ابراز ناراضی از اوضاع کاری و معیشتی اقدام به



روز چهارشنبه ۳۱ مرداد پرستاران تهران و تعداد دیگری از شهرهای ایران نیز به دور جدید اعتصاب و اعتراضات سراسری پرستاران که از روز پنجشنبه ۱۳ مرداد از بیمارستانهای شیراز و دیگر شهرهای این استان آغاز شد پیوستند. این اعتصاب سراسری را مرگ یکی از پرستاران در روز ۱۲ مرداد بر اثر تشدید فشار کار جرقه زد. ”پروانه ماندنی“ پرستار زحمتکش بیمارستان شهر ”سپیدان“ استان فارس، در پی تقبل مسئولیت همراهی با سه بیمار جهت انتقال به بیمارستان شیراز، جان خود را از دست داد. مرگ اسفناک این انسان زحمتکش به جرقه ای برای شعله ور شدن خشم و اعتراض فروخته چندین ساله پرستاران در سراسر ایران تبدیل شد.

در دو هفته گذشته پرستاران زیادی در بسیاری دیگر از شهرها از جمله اصفهان، تبریز، رشت، اهواز، مریوان، کرمانشاه، دهدشت، کهگیلویه و بویراحمد، اراک، بوشهر، جهرم، زنجان، شهرهای شمالی و بیمارستانهای شهرهای خراسان رضوی و تهران و جاهای دیگر به این اعتراض و اعتصاب پیوستند. این اولین بار در طول دهها سال گذشته است که پرستاران در این ابعاد سراسری بدون ترس از تهدیدات امنیتی و اخراج، به شکل همزمان دست از کار می کشند و به اعتراض و اعتصاب می پردازند.

طی چند سال گذشته پرستاران به مثابه بخشی از کارگران بارها به اوضاع وخیم زندگی زیر خط فقر خود اعتراض کرده اند و خواست و مطالبات خود را به گوش مسئولان حکومت اسلامی رسانده اند. در شرایطی که گرانی و تورم روز به روز افزایش می یابد و هزینه سبد معیشت یک خانواده از ۳۲ میلیون تومان گذشته است، میانگین حقوق ماهانه پرستاران ۱۲ تا ۱۳ میلیون تومان است. البته هستند بسیاری دیگر از پرستاران که با حقوق ۵ میلیون تومان یعنی ۶ مرتبه زیر خط فقر مجبور به کار طاقت فرسای پرستاری می باشند. اما افزایش حقوق متناسب با تورم و هزینه سبد معیشتی به میزان حداقل چهار برابر حقوق فعلی، تنها مطالبه آنان نیست و مطالبات دیگری نیز مطرح

## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در همبستگی با اعتصاب گسترده پرستاران

آنها مانند همکارانشان در تمام جهان بدلیل کاستن از درد و حفظ جان مردم نمی توانند اعتصابات دراز مدت داشته باشند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست خود را همراه و متحد پرستاران اعتصابی می داند و به سهم خود برای جلب حمایت هر چه گسترده تر از خواستها و مبارزات آنها فعالیت می کند.

### زنده باد همبستگی کارگری

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست  
۲۵ مرداد ۱۴۰۳ - ۱۵ اوت ۲۰۲۴

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



یادآور سازمان یافتگی اعتراضات و اعتصابات معلمان و کارگران پروژه ای و نوید بخش اعتصابات سازمان یافته و سراسری در رشته های دیگر تولیدی و خدماتی است.

نیروهای سرکوب رژیم اسلامی با احضار، تهدید پرستاران اعتصابی و گسیل اعتصاب شکنان می کوشند تا مانع گسترش اعتصاب به بیمارستانهای دیگر شوند. خواستهای پرستاران و به ویژه اضافه دستمزد خواست مشترک ده ها میلیون کارگر است و زمینه ساز یک همبستگی گسترده با پرستاران است. اعتصاب در مراکز درمانی بدلیل نقشی که در سلامت مردم دارند نمی تواند همگانی و طولانی باشد و کارفرماها و دولتها هم با سواستفاده از این سهم تعطیل ناپذیر همواره می کوشند مردم را علیه اعتصابیون مراکز درمانی تحریک کنند. مردم ایران اعتصاب پرستاران را بخشی از مبارزات خود علیه رژیم اسلامی می دانند و این عامل مهمی در شکست عوامل رژیم برای تحریک مردم علیه پرستاران اعتصابی است. حمایت کارگران بخشهای دیگر تولیدی و خدماتی از خواستها و مبارزات پرستاران نقش اساسی در موفقیت پرستاران دارد زیرا



اعتصاب پرستاران از ۱۱ مرداد آغاز شد و بسرعت به بیمارستانهای بیش از پانزده شهر گسترش یافت. پرستاران و کلا کارکنان مراکز درمانی بیشترین از خودگذشتگی را در دوران کرونا از خود نشان دادند اما رژیم اسلامی به خواستهایشان پاسخ مثبت نداد. از جمله اضافه دستمزد، لغو اضافه کاری اجباری، پرداخت دستمزدهای معوقه و پایان تهدید و دستگیری پرستاران اعتصابی توسط نهادهای امنیتی.

هماهنگی پرستاران اعتصابی بیمارستهای درون یک شهر با شهرهای دیگر و در استان های مختلف

## به یاد جانباختگان کمونیست در قتل عام شهریور ۶۷ «توبه یا مرگ زیر شلاق»!

روز نماز می خوانید؟، "آیا ترجیح می دهید با یک مسلمان هم بند شوید و یا یک غیرمسلمان؟"، "آیا حاضرید زیر ورقه ای را دایر بر اینکه به خدا، به پیغمبر، به قرآن و به روز رستاخیز ایمان دارید امضا کنید؟" و پر معناتر از همه: "آیا در خانواده ای بزرگ شده اید که پدر در آن نماز می خواند، روزه می گرفت و قرآن می خواند؟"

تنها یک جواب نه به این سوال ها می توانست به اعدام شخص مربوطه منتهی شود. در مورد سوال آخر جواب مثبت به آن به معنی اعدام بود زیرا که بر "ارتداد" فرد تاکید می کرد. طبق موازین فقهی، فقط کسی را می توان مرتد شناخت که در یک خانواده معتقد مسلمان و در سایه پدری که به طور مرتب نماز و قرآن می خواند و در ماه رمضان روزه می گرفته نشو و نما کرده باشد. اگر کسی بر مسلمان بودن خود تاکید می کرد اما می گفت نماز نخوانده است تنها به شلاق محکوم می شد. برای هر وعده نماز ۱۰ ضربه و روزی حداکثر ۵۰ ضربه.

در مورد زنان کمونیست، به حکم شرع در مورد



شدند و ننگ تاریخ را بر پیشانی قاتلان حک کردند. هزاران زندانی مبارز و مقاوم بر چوبه دار بوسه زدند، اما در برابر جانباختن سر تعظیم فرود نیاوردند. داترهالمعارف جهانی این واقعه ضد انسانی را چنین ثبت کرده است:

"پرسش و پاسخ از آنها در ماه شهریور و از زندان گوهردشت آغاز گشت. "آیا شما مسلمانید؟"، "آیا به بهشت و جهنم معتقد هستید؟"، "آیا در ماه رمضان روزه می گیرید؟"، "آیا قرآن می خوانید؟"، "آیا هر

ماه شهریور یاد آوار سالگرد جنایت هولناکی است که بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی در زندانها انجام گرفت. کشتار زندانیان سیاسی که در مرداد ماه سال ۱۳۶۷ با اعدام های دسته جمعی اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق آغاز شده بود، در شهریور ماه همان سال با کشتار زندانیان چپ و کمونیست دنبال شد.

کمسیون مرگ، مرکب از مرتضی اشراقی (دادستان وقت)، ابراهیم رئیسی معاون وقت دادستان و رئیس جمهور پیشین رژیم اسلامی)، حسینعلی نیری (حاکم شرع وقت) و مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات در زندان اوین)، پس از آنکه گزارش ماموریت جنایتکارانه مرداد ماه خود در زندانها را به خمینی دادند، از وی فتوای کشتار کمونیستها را نیز گرفتند و در ماه شهریور به جان انسانهای آزاده ای افتادند که قلبهایشان مالا مال از عشق به آرمان والای رهائی انسان استعمار شده و ستمدیده بود. چوبه های دار برپا شد و زندانیان آرمانخواه با گفتن "نه" به جلادان بر دار اعدام آویزان

دشمن جای دارند. در برابر سکوت عامدانه دولت های امپریالیستی، این کمونیست های انقلابی جهان بودند که به پژواک اعتراض مردم ایران تبدیل شدند و اهداف پلید جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیست آن را افشا کردند. حال که ۳۶ سال از کشتار مبارزین و مخالفین رژیم و رفقای کمونیست در بندمان گذشته رژیم جنایتکار اسلامی با بحرانی همه جانبه روبرو شده و زیر فشار اعتراضات و اعتصابات کارگری و تداوم جنبش انقلابی ژینا قرار گرفته است.

کشتاری که حکومت اسلامی در سال ۱۳۶۷ به منظور جلوگیری از خطر خیزش توده های عاصی از جنگ ویرانگر هشت ساله انجام داد، اکنون به مانند داغ جنایتی ننگین به پیشانی رژیم جمهوری اسلامی حک شده است. در چنین روزهایی یاد مبارزان و کمونیست های مقاوم در سلاخ خانه های حکومت اسلامی الهامبخش تداوم مبارزه مان خواهد بود. بدون شک سرانجام آرزو فرا خواهد رسید که سران جنایتکار جمهوری اسلامی در دادگاه عدل مردم زجر کشیده ایران به محاکمه کشیده شوند، رازهای سر به مهر جنایات بیشماری که مرتکب شده اند بیشتر برملا شود و مجازات شایسته خود را دریافت دارند.



در روزهای محاکمات یک دقیقه ای و دار زدن ها و تیرباران کردن ها، مذاکرات و توافقات پشت پرده دولت های امپریالیستی غرب با جمهوری اسلامی جریان داشت. دولت های امپریالیستی خیلی خوب از رخداد این فاجعه مطلع بودند. اما منافع شان ایجاب می کرد که از تثبیت رژیم جمهوری اسلامی حمایت کنند. آنان پس از وادار کردن خمینی به قبول شکست در جنگ ایران و عراق و سر کشیدن جام زهر، به حکام اسلامی ایران چراج سبز دادند که برای ممانعت از خیزش های انقلابی و امن کردن محیط ایران برای استعمار و چپاول سرمایه داری جهانی، می توانند دست به هر جنایتی بزنند. به همین دلیل سازمان ملل که کلوب بین المللی آنان است در مورد این جنایت خونین سیاسی، خفقان گرفت.

در آن روزهای سرکوب و کشتار، یکبار دیگر روشن شد که در دنیا چه کسانی دوستان و متحدان واقعی توده های مردم ایرانند و چه نیروهایی در صف

زن مرتد یعنی «توبه یا مرگ زیر شلاق» عمل می شده است و از همین روزان کمونیست یا زیر شلاق می مردند یا اسلام را می پذیرفتند. بسیاری از آن قربانیان، دوره محکومیت خود را طی کرده و در انتظار آزاد شدن به سر میبردند. دلیل بازداشت بسیاری هنوز ناروشن و در انتظار به اصلاح تفهیم اتهام بودند.

از زمان وقوع آن جنایات هولناک تاکنون جنایتکارانی از قماش خامنه ای، روحانی و رفسنجانی تلاش کرده اند نقش خود در این کشتار را تا حد ماموران معذوری که مجبور به پیروی از فرمان خمینی بودند، تنزل دهند. تعداد زیادی از بازجویان و شکنجه گران و مقامات امنیتی دهه ۱۳۶۰، دستان خون آلود خود را شستند و لباس روزنامه نگاری و اصلاح طلبی به تن کردند تا گذشته خویش را از دید نسل جوان پنهان کنند.

کشتار خونین ۶۷، آزادیخواهی قلابی و دفاع دروغین امپریالیست های غربی از حقوق بشر را نیز افشا کرد. دولت های اروپا و آمریکا نه تنها به این کشتار اعتراض نکردند بلکه به طور محرمانه بر آن مهر تأیید زدند. این فاجعه بی مانند که طی آن هزاران نفر از زندانیان سیاسی در فاصله کمتر از دو ماه اعدام شدند، حتی در رسانه های به اصطلاح آزاد قدرت های امپریالیستی منعکس نشد.

## کشتار ۶۷ برگی از تاریخ پر از جنایت حکومت اسلامی، جنبش دادخواهی علیه جنایات جمهوری اسلامی را گسترش دهیم!

بعدها به هیئت مرگ شهرت پیدا کرد، مرکب از مرتضی اشراقی (دادستان وقت)، ابراهیم رئیسی معاون وقت دادستان و رئیس جمهور پیشین رژیم اسلامی)، حسینعلی نیری (حاکم شرع وقت) و مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات در زندان اوین) تشکیل و مسئول اجرای پروژه کشتار زندانیان سیاسی شدند. در آن روزها دستگاه کشتار و جنایت رژیم اسلامی هزاران زندانی با گرایشات مختلف سیاسی را به جوخه مرگ سپرد. منتظری در کتاب خاطرات خود با استناد به گزارش های دریافتی تعداد آنها را ۲۸۰۰ تا ۳۸۰۰ نفر ذکر کرده است و بر اساس برخی گزارشها بین ۵ تا ۶ هزار انسان مبارز در این جنایت هولناک جانشان را بر سر ایستادگی بر عقاید و باورهایشان از دست دادند.

رژیم تنها پس از ۴ آذر ماه همان سال خانواده های قربانیان را در جریان اعدام آنان قرار داد و پس از این تاریخ بود که مردم ایران از وقوع این جنایت علیه بشریت در زندانهای رژیم

ارتجاعی با عراق بودند با هدف مرعوب کردن مردم به جان آمده از جنگ و فلاکت اقتصادی، برای کشتار زندانیان برنامه ریزی کردند.

به گفته علی رازینی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح در آن سالها فرمان کشتار جمعی زندانیان در سال ۶۷ یکی از چند اقدام مهم خمینی در اواخر عمرش بوده که به گفته او "مسیر آتی حرکت حکومت" را روشن کرده است. پروژه قتل عام و کشتار زندانیان سیاسی در زندانهای ایران از روز جمعه ۲۸ تیر ماه سال ۱۳۶۷ تنها یک روز بعد از سرکشیدن جام زهر و پذیرش آتش بس در جنگ ارتجاعی ایران و عراق و بر اساس فرمان خمینی رهبر رژیم اسلامی آغاز شد. در این روز ارتباط زندانهای اصلی ایران با دنیای خارج به تمامی قطع شد و طی حدود دو ماه جنایتی رقم خورد که جامعه ایران را تا سالها در اندوهی مرگبار فرو برد.

بر اساس فرمان خمینی، هیئت ویژه ای که



ماههای مرداد و شهریور یادآور یکی از جنایات هولناکی است که در دوران حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، انجام گرفته است. ۳۶ سال پیش در ماههای مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷ رژیم اسلامی دست به جنایتی زد که هم اکنون نیز آثار و اسناد آن شاهد زنده ای بر قصاوت و درنده خویی مقامات رژیم اسلامی هستند. خمینی و مشاوران اصلی اش رفسنجانی، خامنه ای و روحانی که نگران گسترش اعتراضات کارگران و مردم ایران بعد از شکست زبونانه رژیم در جنگ

ابعاد ناشناخته این فاجعه، برگزاری دادگاههای نمادین، آکسیون ها و کمپین های تبلیغی در سالگرد این جنایت و ...، همه و همه اینها لازم است تا سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی ادامه یابند.

اکنون که به دومین سالروز جنبش انقلابی ژینا نزدیک می شویم بیش از پیش برای زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب ایران روشن شده است که تا زمانی که رژیم جمهوری اسلامی به زیر کشیده نشده است و سران جنایتکار آن در دادگاه مردم زجر کشیده ایران به محاکمه کشیده نشده اند، نباید انتظار دادخواهی داشت. بنابراین لازم است که جنبش دادخواهی مادران خاوران و مادران جانباختگان با جنبش اعتصابی کارگران و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی و اعتراض تهیدستان شهری پیوند بخورد.

کارگران و مردم ایران عوامل مستقیم و غیر مستقیم، مجریان و تائید کنندگان این جنایت را نه فراموش می کنند و نه می بخشند.

**یاد جانباختگان قتل عام سال ۶۷ همیشه زنده و گرامی است.**



این روزها در سی و ششمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی، به همت مبارزین سیاسی و نجات یافتگان از قتل گاههای اوین، رجایی شهر، عادل آباد، دیزل آباد و زندان سنندج و جاهای دیگر، و به همت جنبش دادخواهی مادران خاوران و مردم آزادیخواه ایران، پرونده جنایات جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری مورد توجه افکار عمومی جهان قرار گرفته است. تحت فشار جنبش دادخواهی حمید نوری، دادپار سابق زندان گوهردشت و یکی از مزدوران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی به جرم دست داشتن در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ در دادگاه استکهلم به حبس ابد محکوم شد، دستاوردی که حتی تحویل دادن جنایتکار به جمهوری اسلامی در جریان یک معامله کثیف از اهمیت آن کم نمی کند. امروز تحت فشار جنبش دادخواهی مردم ایران حتی کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل نیز نمی توانند بیش از این روی این جنایت هولناک رژیم اسلامی سرپوش بگذارند. بدون تردید ثبت کشتار زندانیان سیاسی به عنوان جنایت رژیم جمهوری اسلامی علیه بشریت، تکرار آن در جهان را مشکل تر می کند.

جنبش دادخواهی علیه جنایات جمهوری اسلامی یک ضرورت مبارزه با این رژیم جنایتکار است و لازم است تداوم یابد. جنبش مادران جانباختگان خاوران به رغم فشار بی امان سرکوب، برگزاری مراسم هر ساله گرامیداشت قربانیان این فاجعه، کار و فعالیت های پژوهشی برای روشن کردن

اسلامی مطلع شدند. به دنبال این جنایت رژیم هزاران تن از زندانیان اعدام شده را در گورهای جمعی در گورستان خاوران دفن کرد، اما این پروژه همزمان در دیگر مناطق ایران و از جمله در کردستان نیز به اجرا درآمد به طوری که امروز در حقیقت نه از گلزار خاوران، بلکه از گلزارهای خاوران در سراسر ایران باید سخن گفت.

در زمان و قوع کشتار خونین ۶۷، دولت های اروپا و آمریکا و کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل نه تنها به این کشتار اعتراض نکردند بلکه به طور محرمانه بر آن مهر تائید زدند. رسانه های به اصطلاح آزاد قدرت های امپریالیستی آگاهانه بر فاجعه کشتار هزاران نفر از زندانیان سیاسی سرپوش گذاشتند. دولت های غربی این مدافعین دروغین حقوق بشر که سیاست یاری رساندن به تثبیت حاکمیت رژیم اسلامی در پیش گرفته بودند، دست سران رژیم در انجام این کشتار را باز گذاشتند. آنان پس از وادار کردن سران رژیم به قبول شکست در جنگ ایران و عراق و سر کشیدن جام زهر، به حکام اسلامی ایران چراغ سبز دادند که برای ممانعت از خیزش های انقلابی و امن کردن ایران برای استثمار و چپاول سرمایه داری جهانی، می توانند دست به هر جنایتی بزنند. به همین دلیل سازمان ملل که کلوب بین المللی این قدرت های سرمایه داری است در مورد این جنایت خونین سیاسی، خفقان گرفت و در خفا مهر تائید بر آن کوبید.



شماره ۴۵۵ "پیشرو"

نشریه کومه له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

به زبان کردی منتشر شد!